

۶

پروترهای جهان متحد شوید!

مسائل

بین‌المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

۱۳۵۷

فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۴ - ۳	یمناسیت بیستمین سال تاسیس مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "	-
۱۵ - ۵	تشدید تضاد ها و فعالیت توده ها	گس هال
۲۲ - ۱۶	توطئه علیه صلح در خاور نزدیک	امیل حبیبی نعمیم اشهب
۳۳ - ۲۳	انحصارها در سرمایه داری معاصر	آبرام میلیوفسکی یوری بودانف
۴۳ - ۳۴	بحران اقتصادی و کشورهای در حال رشد	گئورگی اسکوروف
۵۲ - ۴۴	ناتوانی پدافند اقتصاد بر دارد!	-
۶۰ - ۵۳	انترناسیونالیسم در عمل	-
۶۱	همبستگی با خلق نیکاراگوئه	-
۶۲	چند خبر از زندگی احزاب کمونیست و کارگری	-

بمناسبت بیستمین سال تأسیس مجله

«مسائل صلح و سوسیالیسم»

چهاردهم سپتامبر سال ۱۹۷۸ جمله رسمی و باشکوه هیئت تحریریه و شورای هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که به بیستمین سال تأسیس مجله اختصاص داده شده بود در پراگ تشکیل یافت.

میهن‌انان افتخاری که در این جلسه حضور داشتند عبارت بود از: عزیز محمد، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، ایرج اسکندری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، ن. شوشی، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان، ای. بیلان، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، د. د. نیش، عضو پروسی سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی مجارستان، ن. لووسان راودان، عضو پروسی سیاسی کمیته مرکزی حزب کارگرمخولستان، ا. رود ریگس، عضو کمیته اجرایی و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست اوروگوئه، د. استانیشف، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، بیان فویتیك، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی، ر. د. اسیت، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلژیک، و. و. زاگلا دین، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و سه تن از همکاران قدیمی مجله: آ. آ. میک، م. م. رومانوف، نخستین سردبیر مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، ل. ل. برگ، از حزب سوسیالیست متحد آلمان، ای. کوکس (حزب کمونیست بریتانیا، ی. کبیر) و کارکنان دستگاه رهبری احزاب و کارکنان مسئول مطبوعات و موسسات انتشاراتی بسیاری از کشورهای جهان.

بمناسبت سالگرد تأسیس مجله نامه‌های شادباش فراوانی از کمیته‌های مرکزی احزاب برادر و زهبران احزاب و روسای دول، ارگانهای مطبوعاتی کمیته‌های مرکزی احزاب کمونیست و کارگری، سازمان‌های دموکراتیک بین‌المللی، احزاب انقلابی، دموکرات و خوانندگان مجله به اداره مجله رسیده است.

ابتداءً ای. زاروف، سردبیر مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شرح مختصری درباره راهی که مجله طی این مدت پیموده بیان داشت.

سخنرانان بعدی که از شرکت کنندگان در جلسه بودند تاکید کردند که مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" طی بیست سال انتشار بهترین برجسته و مهم بین‌المللی کمونیست‌ها مبدل گردیده و جمع کارمندان و کارکنان چند ملیتی آن سهم‌مهمی در انتشار اندیشه‌های بزرگ مارکس، انگلس و لنین ادراک کردند و این ترتیب به تبادل تجارب فعالیت احزاب کمونیست و کارگری، استحکام همبستگی بین‌المللی کمونیست‌ها که در کشورهای خود و در عرصه بین‌المللی قهرمانانه پانبروهای امپریالیسم و ارتجاع و در راه برقراری آرمان‌های صلح، دموکراسی، آزادی ملی و سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، کمک کرده است.

ای. کوپکا، دبیرکل سازمان بین‌المللی روزنامه نگاران به کارکنان و کارمندان مجله

نشان افتخار بولپوس فوجيك را اهدا کرد و یاد آور شد که مجله بمناسبت خدمات فراوانش در راه پیشرفت روزنامه نگاری در مکرانتيك شایسته این نشان شناخته شده است .
 در این جلسه پرشکوه متن نامه ای بعنوان احزاب برادره اتفاق آراء به تصویب رسید که عین آن را در زیر درج میکنیم :

رفقای گرامی !

هیئت تحریریه و شورای هیئت تحریریه مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " که در يك گرد هم آبی وسیع بمنظور گرامی داشت بیستمین سالگرد تاسیس مجله شرکت جستند ، مراتب سپاسگذاری قلبی و شاد باشهای فراوان خود را بدین مناسبت به احزاب کمونیست و کارگری ابراز میدارند .

کنفرانس احزاب برادر که در آوریل سال ۱۹۷۷ تشکیل گردید و به کارها و فعالیت های مجله اختصاص داده شده بود ، جهات اصلی فعالیت ما را معین کرد و مانیز در برنامه هائی که برای آیند مهتیه وتدوین میکنیم ، این جهات را در نظر میگیریم . ما خواهیم کوشید در آینده نیز به تبادل تجربه فعالیت های عملی و نظری (تئوریک) احزاب برادر و مبارزه آنها در راه صلح و سوسیالیسم کمک کنیم .

با درك بفرنجی و ظائفی که در برابر ما قرار دارد ، ما سپاس و قدر دانی خود را به احزاب کمونیست و کارگری برادره بخاطر کمک و همکاریشان در حال حاضر در آینده ابراز میداریم .

تشدید تضادها و فعالیت توده‌ها

گس‌هال

دبیرکل حزب کمونیست
ایالات متحده آمریکا

رؤسای جمهوری ایالات متحده آمریکا از زمان فرانکلن د. روزولت کوشیده اند از راه‌های بیرون د. در سیاست بورژوازی بدان "راه وسط" می‌گویند. این هنر عبور کردن از پیچ و خم‌های بیشمار تضادهاست. این راه هیچ‌وقت هموار نبوده است، زیرا مشروط به گذشت‌های معینی نسبت به طبقه کارگر مردم است. ولی اکنون بعلمت عمیق تر شدن بحران عمومی سرمایه داری "راه وسط" تنگتر شده و د. بزرگتر به رد می‌خورد.

آشفته‌گی و دست‌پاچی، شک و تردید و تضاد میان گفتار و کردار که از مشخصات دستگاه اداری ج. کارتر است تشدید تضادهای راکه سرمایه داری انحصاری ایالات متحده آمریکا بدان دچار شده است منعکس می‌سازد. این تعلل و تردید در واقع نتیجه تنگ و نا هموار شدن "راه وسط" و کاهش امکانات گزینش راه برای سرمایه داری ایالات متحده آمریکا است، نه نتیجه صفات شخصی رئیس جمهوری.

سرمایه داری از همان لحظه پیدایش داری تضاد‌های ویژه‌ای بوده است که منشأ علت اصلی آنها تضاد آشتی ناپذیر طبقاتی میان کار و سرمایه و تسلط نتایج کار اجتماعی از طرف سرمایه است. سرمایه داری از چند مرحله گذشته است ولی این تضاد آشتی ناپذیر بمنزله خط اساسی جداکننده و نقطه ضعف اصلی سرمایه داری بجای خود باقی است. باید در آینده هم علیه تلاش‌هایی که برای مخفی نگه داشتن خصلت اساسی این تضاد طبقاتی بعمل می‌آید مبارزه کرد. بعضی‌ها این تضاد را حذف و زهرست بالا بلندی از تضاد‌های دیگر تهیه می‌کنند. عده‌ای هم آشکارا می‌گویند مناسبات میان طبقات تغییر کرده است و به همین سبب گویا تضاد‌های آشتی ناپذیر طبقاتی مبارزه طبقاتی و نقش ویژه طبقه کارگر، همه به عوامل درجه دومی مبدل شده‌اند. از این قبیل افسانه‌ها اپورتونیزم برای تبرئه خود استفاده می‌کند.

در حالیکه سرمایه انحصاری دولتی که تحت سلطه آنست برای حل مسائلی کنش‌های از فساد و پیوسیدگی سرمایه داری است کوشش‌های بی‌هوده‌ای بکار می‌برد؛ تضاد طبقاتی اساسی با عناصر تازه‌ای تکمیل می‌گردد. تشدید فعالیت بصود سرمایه انحصاری، پیشرفت و رشد انحصارها و شرکت‌های چند ملیتی، پیشرفت علم و تکنیک، پیدایش تغییرات در ترکیب طبقه کارگر و تناسب نیروها در جهان، همه مسائل و معضلات تازه‌ای بوجود می‌آورند. اما تضاد طبقاتی که ماهیت واقعی سرمایه داری را تشکیل می‌دهد تغییر نمی‌کند. این تضاد اساسی و طوفان‌های طبقاتی که بطور مداوم ایجاد

میکنند قانوناً و بطور ناگزیر باید درآیند و نیز نقطه مبدا* و عنصر مرکزی در مبارزه طبقه کارگر باشد .
 تشدید تضاد های آشتی ناپذیر طبقاتی علت اصلی در ماندگی دولت کارتر در رکسار ادامه
 " راه وسط " میباشد . زیرا با تشدید مبارزه ای که نتیجه تضاد اساسی سرمایه داری است تمام تضاد
 های دیگر هم بهمان نسبت شدت می یابند . این تضاد ها بر دولت کارتر و کنگره ایالات متحده آمریکا
 سایه ای تیرمی افکنند و موجبات برخورد شدید منافع بین من کلان را فراهم می آورند . اگرچه این
 قبیل اختلافات از جهت ارجح و منافع کلی سرمایه انحصاری فراتر نمیرود ، اهمیت تاکتیکی فراوانی
 دارند ، به ویژه وقتی که محافل معینی از سرمایه انحصاری و یا شرکت های معینی بدین نکته پی میبرند
 که اقدامات سیاسی که منافع مردم ، یا هدف های حفظ صلح در تمام جهان ، یا کاهش تشنج
 بین الحلی و با بصط و پیشرفت بازرگانی ، مطابقت دارند بهتر از هر چیز دیگری پاسخگوی منافع مستقیم
 طبقاتی آنانست . اتحاد با چنین نیروهائی که از نفوذ سیاسی وسیعی برخوردارند ممکن است
 متزلزل و ناپایدار باشد ، ولی در دوره های بحرانی این نیروها میتوانند در سرانجام مبارزه تاثیر
 داشته باشند .

برخی از محافل سرمایه انحصاری تصور میکنند که مقابله و در مقابل سیاستی که میتواند به فاجعه
 هسته ای بیانجامد بهتر از هر چیز دیگری به منافع مستقیم آنها خدمت میکند . ولی در عین حال
 دیوانگان و مجانین هسته ای مانند بژتسکی در دولت کارتر و سناتورهای نظیر جکسون ، مویتن
 و تاو و همچنین مقامات بلند پایه کشوری و ارتشی هم هستند که آماده اند حتی موجودیت جامعه بشری
 را بمخاطره افکنند . بژتسکی معاون رئیس جمهوری در مسائل امنیت ملی در ماه مه ۱۹۷۸ اعلام
 داشت که : " داشتن این عقیده که بکار بردن سلاح هسته ای بمعنی نابودی نوع بشر است ،
 بدان معنی است که دقیق نیندیشیده باشیم . این اندیشه ای خود خواهانه است . . . از
 نقطه نظر محاسباتی و آمارگیری و نه چیز دیگر ، هرگاه ایالات متحده آمریکا تمام ذخیره هسته ای خود
 را علیه اتحاد شوروی بکاربرد و اتحاد شوروی هم تمام ذخایر خود را علیه ایالات متحده آمریکا بکار
 اندازد ، این هنوز بمعنی پایان حیات جامعه بشری نیست " . (۱) .

هسته اصلی اختلاف نظر میان طبقه حاکم ایالات متحده آمریکا چیست ؟ این اختلافات
 زاغید به برخورد متفاوت به این مسائل مهم و بنیادی است : در مقابل مسائل تازه ای که امپریالیسم
 آمریکا (که دارد مواضع خود را از دست میدهد) با آنها روبرو میشود چه واکنشی باید نشان داد ؟
 بجهت نورهائی باید دست زد و چگونه ؟ چگونه باید عقب نشینی کرد ؟ در دوران رکود اقتصادی در
 قبال تضاد ها چه واکنشی باید نشان داد ؟ طبیعی است که مرحله تازه بحران عمومی سرمایه داری
 جهانی در مسائل ویژه ای که به سرمایه داری دولتی - انحصاری اختصاص دارند تاثیر میکند .
 مایکل بلومنتال وزیر دارائی ایالات متحده آمریکا اعتراف کرد که ایالات متحده آمریکا و امپریالیسم
 جهانی بر سر بردارهای قرار گرفته اند . این اعتراف هنگامی صورت گرفت که او اعلام کرد : " در دوران
 مارهبران کشورهای بزرگ صنعتی جهان همیشه بر سر مسائل سیاست اقتصادی نظریه مشترکی
 ندارند . ولی آنها بدون تردید در یک مسئله وحدت نظر دارند و آن اینکه : هنر رهبری و هدایت
 جامعه کمتر خواستهای چنین مهم وجدی را پیش آورد و نتواند انتخاب راهلهای سیاسی بندرت محدود
 تر از زمان حال بوده است " (۲) .

1 - " The New Yorker ", May 1 , 1978.

2 - " Foreign Affairs ", July, 1978, P. 728.

این "محدودیت" گزینش برای امپریالیسم دارای خصلتی است که زمینه های مختلفی را دربرمیگیرد. ایالات متحده آمریکا تکیه گاه اصلی امپریالیسم است، ولی فاکت هایی که ماینسک ارائه میدهم گواه بر محدود تر شدن عرصه فعالیت و تاثیر آنست. در سال ۱۹۶۰، بیست و دو درصد صادرات جهانی فرآورد های صنعتی به آمریکا تعلق داشت ولی در سال ۱۹۷۲ این رقم به ۱۵ درصد رسید (۱). این گرایش در مناسبات ایالات متحده آمریکا در درجه اول نسبت به آلمان غربی و ژاپن و متحد و کمتری نسبت به سایر کشورهای سرمایه داری موثر است.

تضاد ها از این روحد تر شده است که انتخاب راه حل در سراسر جهان سرمایه داری "محدودتر" گردیده است. کشورهای شرکت کننده در کمیسیون سه جانبه (۲)، دیدارهای تازه و مکرر در مکزیک، "سطح عالی" تشکیل میدهند، کمیسیون های بشمارای تأمین میکنند و هزاران سخنرانی و گزارش و کارهای تحقیقاتی بچاپ میرسانند و تصدقات متقابل بعد میگیرند. ولی آنها وسیله ای برای برطرف ساختن بحران درونی سرمایه داری جهانی پیشنهاد نمیکند و نمیتوانند هم پیشنهاد کنند.

تضاد میان امپریالیسم جهانی و نیروهای پروسه انقلاب جهانی که هسته اصلی آنرا تضاد میان کشورهای سوسیالیستی و جهان سرمایه داری تشکیل میدهد در جریان رویدادها در ایالات متحده آمریکا تاثیر عظیمی باقی میگذارد. این عامل عمده ایست که سیاست خارجی کشور را معین میکند. گروه بندیهای مختلف سرمایه انحصاری و اعضای کابینه کارتر در مسئله برخورد به این عامل در قطب های متفاوتی قرار گرفتند. حدت این تضاد از امتناع امپریالیسم آمریکا از پذیرش تناسب واقعی نیروها میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در حال حاضر، عدم تمایل آن بقبول ناگزیری پروسه آزادی ملی و به استقلال سیاسی و اقتصادی رسیدن کشورهای در حال رشد ناشی میگردد. امتناع از قبول تناسب نیروهای که پدید آمده مسابقه تسلیحاتی را تسریع میکند و مانع عمده بر سر راه کنترل تسلیحات هسته ای و پاکاب هوش آنهاست و سد راه کاهش تسلیحات و نیروهای مسلح در اروپا میباشد. این پدیده در ضمن سد عمده ای در راه همزیستی مسالمت آمیز است.

پذیرفتن تعادل نظامی و رد اجتناب ناپذیری جنبش آزادیبخش ملی در اروپا — سکه اند. عدم تمایل به درنگ رگرتن واقعیت مبارزه آزادیبخش ملی، ایالات متحده آمریکا سارا به حمایت از ارتجاعی ترین نیروها، از فاشیست ها و نیروهای میلیتاریست در اطراف و اکناف جهان و همدست شدن با این نیروها و امیدارد. امپریالیسم آمریکا مانور میکند و از "حاکمیت اکثریت" دم میزند، ولی مانند گذشته بمنزله نیروی عمده ای که از آزادی ملی خلقها در جهان جلوگیری میکند، باقی است.

ماهیت سیاست "بهم پیوستن" که وسیله گ. کیسینجر و بژ بزینسکی تهیه و تدوین شده نیز همین است. آنها بر این عقیده اند که کاهش تشنج بین المللی و مبارزگانی را باید با این خواست که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از حمایت از جنبش و مبارزه آزادی ملی امتناع ورزند، "بهم پیوست". مسئله مربوط به "ناراضیان" و "حقوق بشر" هم مطلقاً منجمد به بنظر میآید.

1 - "Monthly Bulletin of Statistics", United Nations, Special Table E, June, 1978.

۲ - کمیسیونی که رگلر در سال ۱۹۷۳ بوجود آورد تا استراتژی و تاکتیک امپریالیستی را تهیه و تدوین کند، نمایندگان بلندن پایه محافل مالی، صنعتی و دولتی و همچنین روشنفکران کشورهای پیشرفته سرمایه داری (ایالات متحده آمریکا، کانادا، کشورهای اروپای غربی و ژاپن) اعضای این کمیسیون را تشکیل میدادند.

سیاست توسعه‌طلبی امریالیستی و "بهم پیوستن" مسائل، چنین است ماهیت امر. رویداد های افریقا در مرکز سیاست از موضع "بهم پیوستگی" قرار گرفتند. منشأ این سیاست ضمن آشنائی با ارقام زیر کما آشکار میگردد: ایالات متحده آمریکا ۳۸ درصد از نفت خام مورد نیاز خود را از افریقا، ۵۳ درصد الماس را از افریقای جنوبی و ۱۱ درصد آنرا از ژنبر، ۳۱ درصد منگنز را از گابن، ۳۹ درصد کرم را از افریقای جنوبی، ۳۴ درصد سنگ آهن و منگنز را از افریقای جنوبی و ۲۴ درصد بقیه را از زرد زیا وارد میکند (۱). بدین فهرست باید تقریباً همین مقدار واردات کبالت و دانه کاکائو را نیز افزود.

نظریه "بهم پیوستن" چیزی دیگری جز باج گیری و زورگویی نیست. بهمین سبب است که چنین تبلیغات مغرضانه وسیعی علیه اتحاد شوروی، کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی براه انداخته اند. این کشورها از خلقهای جنوب افریقا که در راه آزادی و استقلال خود مبارزه میکنند پشتیبانی نموده و پیمانها کم می‌رسانند. علل این تبلیغات جنون آمیز کما مفهوم است. امریالیسم ایالات متحده آمریکا این را کما درک میکند که پیروزی خلقهای آنگولا، اتیوپی و سایر کشورها تناسب نیروها در عرصه جهانی را از لحاظ کیفی تغییر خواهد داد.

تضاد آشتی ناپذیر میان دو سیستم جهانی اساس تضادی را تشکیل میدهد که سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را تضعیف میکند. بحرانی که از گذار سرمایه داری به سوسیالیسم ناشی میگردد برای امریالیسم آمریکا زهرچیز دیگری در ناک تراست.

تغییراتی که در تناسب شاخص های نسبی پیشرفت اقتصادی دو سیستم جهانی پدید میآید در مبارزه آنها تاثیر میکند. در سال ۱۹۷۲ حجم تولیدات صنعتی در اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپا نسبت به سال ۱۹۷۰، ۷۵ درصد افزایش یافت، و همین شاخص برای کشورهای عمده سرمایه داری ۲۶ درصد بود. امتناع از قبول این واقعیات برای امریالیسم آمریکا دشواریهای تازه ای بوجود میآورد.

تجارت با کشورهای سوسیالیستی در روابط ایالات متحده آمریکا با جهان خارج به عاقل مهمی تبدیل شده است. این رقم در موازنه بازرگانی ایالات متحده آمریکا بیش از هر رقم دیگری به مثبتترین وجهی تاثیر میکند و با استثنای یک یا دو مورد کشورهای سوسیالیستی بهترین طرف معاملات بازرگانی آمریکا از لحاظ توانائیشان در پرداخت میباشند. ولی این تجارت هم مانند هر چیز تازهای سرمایه انحصاری را با تضاد های تازه ای روبرو میکند. علاقه و تمایل فرط به چنین تجارت سودآوری بطور مداوم رویه افزایش است. بطور مثال از طرف محافل بازرگانی و معاملات ایالات متحده آمریکا شدیدا درخواست میشود که محدودیت ها و تبعیض های نظیر تبصره الحاقی جکسون - به نیک به قانون تجارت تلفی گردد. اما علاقه سرمایه داری به معاملات سود آوری مجموعه نواقص سرمایه - انحصاری و مصیبت آن از آهنگ رشد سوسیالیسم در تضاد واقع میشود. به نسبت پیدایش تغییرات در تناسب نیروها در جهان روابط بازرگانی بمنزله عاملی که بسود سوسیالیسم عمل میکند اهمیت هرچه بیشتری کسب مینماید.

علاقه و تمایل به تجارت با کشورهای سوسیالیستی مشروط به تاثیر و ره های اقتصادی است. هنگامیکه رشد اقتصادی در مرحله پائین در و تناوب خود قرار دارد، تمایل به تجارت افزایش مییابد. اکنون ایالات متحده آمریکا قادر به کنترل سیاست تجاری سایر کشورهای سرمایه داری نیست، و این وضع تازه ایست که در بازرگانی آمریکا با جهان سوسیالیسم تاثیر میکند.

تضاد های درونی که امپریالیسم ایالات متحده امریکا را تحت فشار قرار داد و اند اینک بعلمت تاثیر بحران جهانی که خود معلول گذارتاریخی از سرمایه داری به سوسیالیسم میباشد ، کیفیت تازه ای کسب کرده اند . امپریالیسم امریکان نمیتواند خود را از این آمد های این گذار مصون و محفوظ نگهدارد . ذخایری که این امپریالیسم در اختیار دارد بی پایان میرسد . مناطقی که میتواند عناصر بحران خود را بد آنجا صادر کند بسیار محدود است . در نتیجه برنامه ها بهم میخورند و تضاد های آشتی ناپذیر تشدید مییابد .

اکثر تضاد های داخلی و بین المللی که موجب پیدایش وقفه در عمل مکانیسم سیستم امپریالیستی میشوند بهم مربوط اند و متقابلا روی یکدیگر تاثیر میکنند . سیاست خارجی عدم قبول تناسب تازه نیروها در جهان در خود کشور چنان بی آمد های منفی دامنه داری ایجاد میکند که فصل مسائل داخلی ایالات متحده امریکا بدون تغییرات معینی در مشی سیاست خارجی غیر ممکن میگردد . دولت کارتر تا کنون نمیخواهد این وضع تازه را بنهذ یرد ، ولی فشار بر آن در این جهت بطور مداوم افزایش مییابد .

مصافقه تسلیحاتی در سال مالی جاری به ۱۳۰ میلیارد دلار نیازمند است . به بودجه نظامی هرساله ۱ درصد افزوده میشود . این سطح و میزان تولید اسلحه یعنی فرآورده ای که وارد بازار نمیشود یکی از عوامل اساسی تشدید کننده تورم و افزایش مالیاتهاست . با افزایش بودجه نظامی ، اعتبارات ویژه خدمات اجتماعی کاهش مییابد . بنابراین سیاست خارجی تجا و زنگارانه و افزایش بودجه نظامی به منزله سطح زندگی منجر میگردد .

این گرایش به تشدید تضاد میان افزایش بی درمی هزینه ها و منظمی (از جمله نگهداشتن نزدیک به دو هزار میلیارد پایگاه نظامی در سرزمین های دیگران) و بر آوردن نیازهای داخلی کشور مانند خدمات اجتماعی ، آموزش و پرورش ، ساختن مسکن و غیره گردید . " راه وسط " میان بودجه های نظامی و نیازمندیهای مردم تقریبا تمام و کمال از زمین رفته است .

تولید در ایالات متحده امریکا و تجارت خارجی آن قادر به ایجاد تعادل و توازن در هزینه های تسلیحاتی نیستند . در نتیجه کشورها کسری مزمن موازنه بازرگانی و تنزل فاجعه آمیز نرخ دلار در بازارهای ارزی جهان ، بمثابه بی آمد جدائی سیاست از واقعیت موجود ، دست بگیران است . امپریالیسم ایالات متحده امریکا از نرخ کم دلار بمنزله سلاحی در مبارزه علیه رقبای سرمایه داری خود استفاده میکند . این جریان برای مدت کوتاهی قدرت رقابت کالا های امریکارا در بازارهای خارجی افزایش میدهد ، ولی گردانندگان وال استریت بد درین رنڈ گرفتار بی آمد های اقتصادی منفی ناگزیر این سیاست از آن پیروی میکنند . نژاد پرستی (راسیسم) از مشخصات جدائی ناپذیر سرمایه داری در امریکا و وسیله بد ست آوردن سود های کلان است . نژاد پرستی همیشه یکی از عناصر متشکله سیاست خارجی امپریالیستی ایالات متحده امریکا بوده است . از همین جائیز تضاد های تازه جدی پدید میآید که نماینده امریکا در سازمان ملل متحده اند ریویانگ میکوشد آنرا از زمین ببرد . سیاهوستان امریکا از طرفداران فعال مبارزه در راه اداره امور بطرز مکرراتیک وسیله اکثریت سیاه پوست اند . در ضمن باید یاد آور شد که دولت وعد های پیش از انتخاباتی کارتر به بخش سیاه پوست اهالی امریکارا عطفی نکرده است .

دولت کارتر نمیتواند خصلت نژاد پرستانه سیاست داخلی خود و این واقعیت را که

"دنفروولیمینگتون" (۱) در بهیمرفته به ۲۸۰ سال زندان محکوم گردیده اند از خلقهای افریقا پنهان نگه‌دارد و اینکه کیفیت نژاد پرستانه قرار محکمه عالی در مورد پرونده آ. بگی و از خاططنری آنها بزداید (۲) . در خود ایالات متحده امریکا همواشنگنن قادر نیست مانورهای خود را در پشتتیا از ژوپیمهای نژاد پرست اقلیت‌های سفید پوست در افریقا از نظر پنهان دارد . مبارزه علیه نژاد پرستی و همبستگی با هدف های این مبارزه اینکه سراسر جهان را در بر گرفته است و همین امر ایجاب تازه‌ای به این تضاد امپریالیسم امریکا چه در داخل و چه در خارج از کشوری بخشد .

عمیق تر شدن بحران عمومی و تضاد های مربوط بدان در برابر سرمایه داری ایالات متحده امریکا هر روز مسائل تازه تری را قرا می‌دهد . کشوری که در طول دوره ای متمای تاریخی با آهنگ رشد اقتصادی بسیار زیادی بر سایر کشورهای برتری داشت ، حالا به یکی از مقام های نزدیک به آهر تنزل کرده است : آهنگ رشد میانه سالانه ۳٫۹ درصد (در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۷) نزدیک به شاخص رکود است . اگر در سال ۱۹۶۷ مجموعه محصول سرانه ملی کشورهای اروپائی عضو ناتو ۸۰ درصد محصول سرانه ملی ایالات متحده امریکا بود ، در سال ۱۹۷۷ این کشورهای سرمایه داری اروپا شاخصی برابر ۹۰ درصد را داشتند . افزایش بیسابقه هزینه‌های بخش نظامی اقتصاد و تقویت کمپانی های چند ملیتی که سرمایه امریکا بر آنها حاکم است در آهنگ های کلی افزایش تولید در ایالات متحده امریکا تاثیر منفی باقی میگذارد .

ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در مدت زمانی برابر با زندگی چندین نسل از کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره ستم دیده بمنزله ملک شخصی برای وارد کردن مواد خام ارزان از آن کشورها استفاده می‌کردند . تغییر تناسب نیروها در جهان خلصت و کیفیت این مناسبات را نیز تغییر داده است . حالا شرکت های امریکائی ناچار اند مواد خام را بابیهای بسیار گران تری خریداری کنند .

حالا دیگر کسی پیدا نمیشود که پیشرفت بدون بحران اقتصاد سرمایه داری را پیش بینی کند .

۱ - در سال ۱۹۷۱ در شهر ساحلی ولیمینگتون (ایالت کارولینای شمالی) دهتن از مبارزان در راه حقوق مدنی را بزندان افکندند . این اقدام بخشی از تعرض دولت فدرال و دولت های ایالات امریکا در سراسر کشور بود که هدف از آن سرکوبی جنبش در راه اجرای عدالت نسبت به سیاه پوستان امریکا و فراهم آوردن امکان تحصیل برای آنها بود .

تضاهرات اعتراض آمیز توده ای در دفاع از " ده نفروولیمینگتون " چه در امریکا و چه در خارج از آن موجب گردید که چندتن از محکومین بقید شرط آزاد شوند . بقیه آنها و از جمله بن جیویس که از روحانیون است هنوز در زندان بسر می‌برند ، و این در حالی است که تاکنون شهادت های دروغینی که علیه آنها سرهم بندی شد و بر اساس آنها اعلام مجرم گردیده است چندین بار افشا و برهلا شد . ه هیئت تحریریه

۲ - صحبت بر سر قراری است که در ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ ؛ با پنج رای موافق در مقابل چهار رای مخالف صادر گردید و طی آن با تقاضای تعقیبی که از جانب آلان بگی مهندس سفید پوست ۳۳ ساله کارمند مرکز تحقیقاتی ناسا بعمل آمد موافقت شد . او اوضاع را زنده است که اختصاص ۱۶ جلا از صد فیل در دانشکده پزشکی برای نمایندگان اقلیت های ملی " نژاد پرستی در عکس جهت است " ، زیر مانع از پذیرفته شدن وی در دانشکده گردید . این قرار محکمه بمنزله ضربه ای بر اصل اقدامات مشیت دولت در جهت برقراری امکانات برابر ارزیابی شده است .

هیئت تحریریه

این وضع ناشی از علل بی چون و چرایی است . تضاد اساسی که نتیجه مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و استثمار کارمزدی است و بطور اجتناب ناپذیر به بحران منی انجام امروز هم با تمام نیروهای خود راهی بخشد . سرمایه داری دولتی - انحصاری هر قدر هم تلاش کند و زورنگی بخرج دهد نمیتواند خود را از بی آمد های قاطع این تضاد برهاند . هم اکنون حلقه های زنجیر رویداد هائی که ویژه سر رسیدن بحران اقتصادی است ، یکی پس از دیگری نمایان میگردد : میزان تعرفه های اعتباراتی بشدت افزایش مییابد ، ماریج افزایش تورم سرعت بالا میروند ، بالا رفتن بهای سهام کمپانی هائی که پیشرفت سریعی دارند و همچنین افزایش بهای سهام معاملات روی زمین و نظایر اینها حکم فرما است . بحران تجدید تولید اضافی در رشته هائی از صنایع نظیر پتروشیمی ، تولید مواد پلاستیک و کشتی سازی نخستین " پرستوهای " بحران اقتصادی است که فرامیرسد .

در سرمایه داری دولتی - انحصاری پیشرفته خصائص تازه دیرینه هم پدید آمده است . کنترل شدید اقتصاد و دست آورد های تازه علم و تکنیک به سرمایه داری انحصاری - دولتی امکان میدهند در آمد و سود بسیار زیادی با وجود حجم کمتر تولید و سرمایه گذاری کمتر ولی بشرط وجود قیمت های تورمی بچفت آورد . شرکت ها حالا میتوانند نفع بیشتری از طریق استثمار تعداد کمتری از کارگران و باروزگار طولانی تر بدست آورند . بهمین علت در شرایلیکه میلیونها تن بیکار وجود دارد مسئله ساعات کار اضافی اجباری تا این اندازه حادث شده است . نتیجه این ، افزایش تعداد افراد بیکار در کشور و شکل مزمن است .

کارل مارکس در پیش بینی های خود درباره گسترش دامنه اعتبارات و قرضه و تضاد هائی که برای سرمایه در بطن آن نهفته است محق بود . او میگوید : " . . . قرضه و اعتبار بسط و تکامل نیروهای مادی تولیدی را تسریع میکند . . . در ضمن قرضه انفجارهای جبری این تضاد یعنی بحران ها را هم تسریع مینماید . . . " (۱) .

سیستم قرضه و اعتبار محدودی رسیده است که با وجود آن " انفجارهای جبری " بیی آمده های منفی به ویژگی عمده آن مبدل شده است . سیستم اعتباری یعنی سیستم فعالیت شریک و تاجر پیر تحرک دولت بکن پولهای استقراضی شکل و خصصت جدائی ناپذیر سرمایه داری دولتی - انحصاری را بخود گرفته است . پولهای که بقرض گرفته شده مانند یکنیروی محرکه اقتصادی عمل میکنند ، ولی هر مقروضی میدانند که در نتیجه قرض گرفتن در مسئله پیش میآید : اول اینکه باید با درصد معینی ربح پرداخت ، دوم اینکه پولهای ربح که بقرض گرفته شده باید پس داد .

دولت قدرال در حال حاضر ناچار است هر ساله درقبال قروض خود درصدی بمیزان ۰ . ۰ میلیارد دلار بپردازد و این مبلغ مرتباً افزایش مییابد . قروض دولت قدرال که تاکنون به هفتاد میلیارد دلار بالغ گردیده ، سالانه تقریباً ۵ میلیارد دلار افزایش پیدا میکند . هزینه های مربوط به قرض را هر سال باید به بودجه دولت افزود .

بسیاری از کشورهای در حال رشد نواستقلال هم اکنون در آستانه بحران استقراضی اند . بخش بزرگی از بدهی ۴۰۰ میلیارد دلاری آنها جوهری است که به بانکهای کشورهای امپریالیستی مقروض اند . گرفتن در صد از قروض به شکل تازه آن از بهره کشی امپریالیستی مبدل شده است . بسیاری از کشورهای مقروض حالا فقط برای مستهلک ساختن ربح قروض گذشته خود قرض میکنند . دولت ایالات متحده امریابا به برخی از کشورهای فقط بد انجبت قرض میدهد که بانکهای خصوصی

امریکا بتوانند پولهای راکه بصورت قرض پرداخته اند پس بگیرند ، آری ، پیش بینی مارکس بده حقیقت پیوست ، بحران استقراضی براستی " انفجارهای اجباری " در سراسر جهان راتسریع کرد .

گروههای بانکی غیر متجانس ایالات متحده امریکا که در پشت دیوارهای محفوظ خود را پنهان ساخته اند به بهانه مبارزه با تورم بگاوش پولهای درگردش و افزایش میزان در صد ربح ادا سه میدهند . این پدیده هم به یکی از شیوه های اساسی استثمار زحمتگشان بوسیله محافل مالی سرمایه انحصاری مبدل شده است . بدین ترتیب با سنگین تازه ای بدوش مردم میهنند .

بدانچه گفته شد باید سیستم خرید قسطی راهم که قشرهای فراوان و گسترده مردم را در برگرفته افزود . این عامل به توسعه بازار داخل کمک میکند ولی حد وحدودی دارند که خارج از آن حد خود به عامل منفی مبدل میگردد .

شهرهای بزرگ ، هم اکنون دستخوش بحران اند ، آنها از امکانات پرداخت پول واعتبار برای تامین مخارج خود از طریق قرضه تا حد اکثر ممکن استفاده کرده اند . وقتی بانکهای که اوراق قرضه شهر در برابر خریداری کرده اند منافع خود را در خطر می بینند میزان کل قرضه واعتبار را تقلیل میدهند ، در نتیجه شهرها هم ناچارند از هزینه های لازم برای خدمات اجتماعی بگنهند و اوراق قرضه تازه منتشر کنند تا بتوانند ربح و در صد بدهی کهنه را پرداخت نمایند . بدین ترتیب سیستم اعتبار و قرضه نه به بحرانی اجتناب ناپذیر دچار شده است اکثر تشاد های سرمایه داری را حاد تر میکند .

تضاد های در نتیجه تعمیم دست آورد های تازه علم و تکنیک در تولید هم وخیم تر میشوند . اضافه کردن تکنیک جدید به نیروهای تولیدی ترکیب ارثانی سرمایه را تغییر میدهد ، زیرا سرمایه نسبتا بیشتری به ماشین آلات اختصاص داد میشود و این امر گرایش بگاوش میزان منفعت راکه گرایش باطنی ویژه سرمایه داری است تشدید مینماید و این نیز منبوه خود سرمایه انحصاری را وادار می سازد برای جبران گاهش میزان منفعت از راه افزایش حجم تولید تلاش کند . در ضمن چون سرمایه — انحصاری قادر نیست بطور موثر بازار را کنترل نماید تضاد میان تولید و بازار تشدید میگردد .

در مرحله سرمایه داری دولتی — انحصاری دولت بمیزان هر چه بیشتری به یکی از اجزاء متشکله جریان اقتصادی مبدل میشود . در ایالات متحده امریکا دولت با هزاران رشته با سرمایه انحصاری مربوط است . " بیزنس کلان " با " مداخله دولت بزرگ " در اقتصاد مخالفت میورزد . ولی اثر دولت مداخله نگیرد و یا مداخله خود را تا حد نقشی گهتا دوران پیش از انحصارها داشت ، تقلیل دهد تمام سیستم سرمایه داری به سر اشیب سقوط افتاد و فرومی پاشد . این دم بنویه خود یک تضاد تازه است . " بیزنس کلان " در " مداخله " نینفع است ، ولی فقط بشرطی که به بزبان آن تمام نشود و سود آور باشد . دولت کارتر میماند و قطب و چنین در راه های در نوسان است . در نخستین سالهای پیدایش سرمایه داری انحصاری تعیین حیثه منافع مراکز مالی و حتی بانکها و یا شرکتها امکان پذیر بود . کمپانی های نفت ، کمپانی نفت بودند و شرکت های تهیه پول و فعالیت خود را به تولید فولاد محدود میکردند . ولی با بسط و تکامل سرمایه داری دولتی — انحصاری و پیشرفت مجتمع های مالی نامتجانس این مرزها و خطوط حد قاصل از زمین رفته است ، اختصاص داشتن به این بیان رشته دقت خود را از دست داده است و منافع انحصارها حالا بیکدیگر بنظر نیازت با پدید آمده است . این وضع هم تضاد های سرمایه داری را افزایش داد و تشدید نموده است . علم به علل برخورد و مخالفت در صفوف دشمن طبقاتی ما و در نظر گرفتن آنها همیشه حائز

اهمیت بوده است. داشتن اطلاع از این علل، بویژه ویتزریق اولی، در دوران ماضوری است زیرا اینک تمام مسائل باگذارتاریخی از سرمایه داری به سوسیالیسم ارتباط دارد. چنین اطلاعی در تعیین اینکه فشار را بکجا باید وارد آورد و باکی می باید اتحاد برقرار ساخت کمک میکند. در ضمن درک صحیح تضاد اساسی طبقاتی هم بکمک میکند که مقدم بر هر چیز مبارزه طبقاتی را در مد نظر قرار دهیم.

دولت کارتر اینک در محوطه بحران جدی اعتماد مردم است. این هم نتیجه عوامفریبی "دماگوزی" دورویانه کارتر است. او در انتخابات بمنزله نامزد انتخاباتی پیروز شد که نیروها کسی که کمسیون سه جانبه مظهر آن است او را برد یگران ترجیح دادند. ولی برای پیروزی او ناچار بود اختلاف پیش از انتخاباتی بوجود آورد که نیروهای خلق و بطور عمده زحمتگشانی که از ستم نژادی اقلیت ها در عذاب اند و برخی از قشرهای طبقات پائین و متوسط جامعه که منافعی شان با هدف های سرمایه انحصاری مطابقت نمیکند هسته اصلی آنرا تشکیل میدهند.

برای تشکیل و حفظ چنین ائتلافی او ناچار بود هر قدر میتواند وعده وعید های عوامفریبانای بد هد که مورد پسند مردم باشند. از آنجاکه کارتر از این صفت هاری است که به اصول (پرنسپ های) معینی پایبند باشد، از جریانی حمایت میکند که در لحظه معین آنرا نیرومند ترین جریان بشمار میآورد. ولی کارتر همیشه محلی برای داشتن امکان انتخاب برای خود باقی میگذارد تا اگر معتقد شود که با تغییر جهت داده است سمت دیگری را اختیار کند. اقدامات او بویژه انتخاب مشاوران نزدیکش همه بر این امر گواهی میدهد، و این امر در سیاست خارجی به روشن ترین وجهی نمودار میگردد. سن. وئس و پ. وارتکه (۱) به روش اعتدال آمیز متماثلند، اینطور بنظر میرسد که آنها متوجه اهمیت کاهش تنش بین المللی اند و میدانند که کاهش تنش پاسخی منافع حیاتی خود طبقات حاکم نیز هست. بنظر میآید که آنها تا حدودی در محدود ساختن مسابقه تسلیحاتی هم نینفع اند. اما بانک هم که یکی دیگر از طرفداران اتحاد خد. مشی معتدلی است بطور عمده در این فکرات که چگونه اعتبار امپریالیسم امریکارا در "جهان سوم" بویژه در افریقا حفظ کند. بهمین سبب او در جستجوی شق تازه ای از سیاست نو استعماری است که گذشت های معینی را امکن پذیر سازد، البته این باید شقی باشد که بتوان آنرا بمنزله سیاست "تازه ای" که از سیاست کهنه امپریالیستی "متعاریاست" جازد. از سوی دیگر بژینسکی که نوچه مکرملر می باشد یک فرد ضد شوروی حرفه ای، مادرزاد و اصلاح ناپذیر است که باید او را "شوالیه" جنگ سرد نامید. او تمام مسائل جهانی را از موضع دشمنی خود با سوسیالیسم و اتحاد شوروی مورد توجه و بررسی قرار میدهد. او از طرفداران درگیری و سیستم و افزایش روز افزون دامنه مسابقه تسلیحاتی است.

کارتر این دسته بندی آنتاگونیستی (آشتی ناپذیر) را حفظ میکند و میکوشد در آن واحد از هر دو راه برود. او با تولید هواپیما های بمب افکن "ب. ۱" موافقت نمیکند ولی برای "تولیسند" موشک های بالدار میگوید "بسیار خوب". امروز با بمب نوترن موافقت میکنند ولی فردا میگوید مخالفم. اما روز سوم اعلا میکنند که هنوز تصمیمی نگرفته است و منتظر گذشت های متقابل از طرف اتحاد شوروی است. دستگاه اداری دولت کارتر از لحاظ ایدئولوژی و سیاست خود دولت "بیزنس کلان" است ولی سعی میکند در جنبه ود طرف هر تضادی را مورد استفاده قرار دهد.

۱- پ. وارتکه در ۳۱ اکتبر سال ۱۹۷۸ از مقام صدارت هیئت نمایندگان ایالات متحد امریکا، در مذاکرات شوروی و امریکا درباره محدودیت سلاح های امتراتزیک استعفا داد. هیئت تحریریه

گارتد رتصمیمات خود قاطع نیست ، چون مشاوران مختلفی دارد که نمایندہ عقایب گوناگون در دستہ بندیهای انحصاری هیئت حاکمہ اند . برخی میخواهند کہ ارتبا اتحاد شوروی بتوافق برسد و زوخت اوضاع کشور کنتیجہ بحران عمیق است بگاہد . بعضی ہا گسترش دامنہ تسلیحات ر ضروری میدانند و از ضرورت وجود ذخایر سلاح های هستہ ای برای وارد آوردن اولین ضربہ دفاع میکنند . لنین بسیار دقیق خاطر نشان ساخت کہ طبقہ میرندہ در افکار و نظریاتش کاملاً منطقی و عادلانہ نیست .

این نظریہ اینک بصرعت رواج پیدا میکند (و از قرار معلوم کارتر ہم بآن موافق است) کہ گویا کشور بہ راست گرایش پیدا میکند وکہ یاسرو نویدی نسبت بوی بمنزلہ رئیس جمہوری ناشی از این است کہ او باندازہ ای کہ لازم است " استوار " نیست . بہمین علت ہم حالا کارتر بطور عواقر بیانہ میکوشد " سختگیری " خود را نشان دہد و در بارہ اکثریت مسائل باعزمی راسخ . . . موضعگیری د و گانہ ای اتخاذ میکند .

با وارد شدن تعدادی رجال راستگرای " سلک نوین " بہرصہ کہ بسیار زرنگ و تیزهوش اند و سخاوتمندانہ از آنان پشتیبانی بعمل میآید وضع بفرنج ترمیشود ، بویژہ کہ ہم اکنون در یکلسلہ آزمائیل مرم و بفرنج ابتکار کارہارا بدست خود گرفتہ اند . این افراد راستگرای " سلک نوین " در نتیجہ سرسختی و پافشاری خود و ہم آہنگی کامل اقداماتشان چنین تصویری ایجاد کردہ اند کہ گویا آنها واقعا ہم بیانگرنہ ریات اکثریت اند . اما ایند ورنیست و آمار و ارقام ہمہ پرسی های مختلف و همچنین اعتلای تنہا ہرات انبوه و جنبش های گوناگون گواہ گفتہ ما است . ہفتاد و یک درصد از کسانیکہ در ہمہ پرسی ہا شرکت میکنند و یا اکثریت امریکائی ہا فی مخصاط قرار میگیرند طرفدار پیداایش بہبود درمناسبات میان امریکا و اتحاد شوروی و گواہش تشنج اند . آمار مربوط بہ آخرین ہمہ پرسی کہ از طرف دایرہ خدمات ہاریس انجام شد ، نشان میدہد کہ نسبت بہ سال ۱۹۷۷) ، (کہکسانیکہ از آنهاستوال شدہ بود موافق باتولید بمب نوترون رای دادند) اینک تغییری حاصل شدہ و حالا اکثریت مخالف بانست .

بدین ترتیب ہرغم مساعی موفقیت آمیز راستگرایان کہ میخواہند اینطور جلوہ دہند کہ در کشور چرخش بر راست بعمل آمدہ در واقع چنین تغییری حاصل نشدہ است . موفقیتہای نیروہای " تازہ " افراطی راستگرا و خطر روز افزونی را کہ اقداماتشان در بر دارد میتوان با استفادہ آنها از شیوہہای دقیق تر و ظریف تر و همچنین حمایتی کہ محافل وسیع تریننس کلان از آنان بعمل میآورد تشریح کرد . نیروہای راستگرا امروز دیگر فقط " دیوانہ و گمراہ شدگان " ویا " ہی مغزہا " نیستند البتہ این قبیل عناصر ہنوز ہم بہ فعالیت خود ادامہ میدہند ، ولی اعضای جمعیت جون برج حالا آمادہ اند کہ دیگرہ ایفی نقش درجہ دوم اکتنا کنند و طرفداران برخوردارند " تودہ ای و ہمگانی " راجلو بپندازند . این شیوہ جدید عبارت از تہیہ وتدوین دقیق اطلاعاتی در بارہ احوال و روحیہ مرد موگرایش ہا در ہر منطقه معین یا در ہر گروہ اتنیک ، در ہر گروہ از مردم کہ مصالح و منافع و بیژہ بخود دارند بوسیلہ ماشین های حساب (کومپیوتر) است . ہدف از این کار تہیہ وتدوین شیوہ برخوردار و مناسبتی عواقر بیانہ و مختلف بہ ہر یک از گروہہای نامبردہ است . از کومپیوتر بدین علت استفادہ میشود کہ معین و معلوم کردن چنین برخوردار و مناسبتی در تجا از ہمہ شمر بخش ترمودہ است . راست گرایان " جدید " تبلیغات خود را روی مسائل حاد و مبہم متمرکز میسازند و این نیز بنویبہ خود و بطور ناآزیر و آتش ایجا میکنند . واقعیات را از متن وزمینہ مسائل جدا میکنند و آنہا را چنان تحریف میکنند کہ تقریباً بہ پدیدہ متضاد خود بدل میشوند .

از جمله ویژگی‌های مثال، کاهش تشنج بین المللی و مداخلات در باره محدود ساختن سلاح‌های استراتژیک (سالت ۲) را بمنزله "تسلیم بدون قید و شرط در برابر مسکو" قلمداد میکنند، عدم شناسایی حزب سقظ جنبین را بمنزله شناسایی "حق زندگی" و نمود میسازند، و به همین ترتیب به تجدید نظر و اصلاح قانون کار به حسب علنی کردن "کیسه‌های پر پول لیدران سندیکاها" را میزنند. قرارداد در باره کانال پاناما را "صرفنظر کردن رایگان از کانال ما" می‌نامند، تورم و مالیات‌ها را بمنزله "تعرض به با بقیه متوسط" که منظورشان تمام کسانی است که شاغلند، تفسیر و تعبیر می‌نمایند، جوانان بیگوار و تمام کسانی را که از مردم معاشران اجتماعی استفاده می‌کنند با کلماتی از قلموس نژاد پرستان نظیر تن پرورانی که نمی‌خواهند کار کنند و بد روزی زندگی کردن را بیکار کردن ترجیح میدهند مورد اهانت قرار میدهند، اقدامات مثبت و جدی را که بمنظور الغای هرگونه تبعیض بعمل می‌آید تحریف کرده و بمنزله "تبعیض در جهت عکس" قلمداد میکنند.

بطوریکه بسیاری از همه پریمی‌ها نشان داده اند راستگرایان بیانگر افکار و عقاید اکثریت نیستند. ولی استعداد و توانائی آنها در حرکت در آوردن انتخاب کنندگان، تحریک و تشجیع آنان و سازمان دادن آنها در مناطق تحت نفوذشان منظره ظاهری پشتیبانی اکثریت اهالی از راستگرایان را ایجاد میکند و از آنجا که سایر نیروها باندازه کافی فعالیت نشان نمیدهند، آنها اغلب موفق میشوند چنین القا "شبهه‌ای بوجود آورند. واقعیت دیگری راهم باید در نظر گرفت و آن پیدایش بلوک راستگرای ارتجاعی تجاوزکار و بسیار فعال طرفداران "جنگ سرد" در کنگره زیر پرچم "احیای حقوق و امتیازهای کنگره" است. این بلوک سایه سنگین خود را بر دستگاه اداری دولت کارتر گسترده است. هنوز پیش از متوافق رسیدن در باره محدود ساختن سلاح‌های استراتژیک بلوک ارتجاعی جکسون، برد، مونینحن، بیکر و متحدین آنها آشکارا با این امر مخالفت کردند.

پیدایش تضادهای تازه موجبات تشدید جنبش‌های توده‌ای و همگانی را فراهم می‌آورد. در آخرین تحلیل در واقع اقدامات توده‌ها است که خصلت پیشرفت معاصر و سمت جریان تاریخ را تعیین میکند. فشارهای داخلی و خارجی برد ستگاه اداره دولت کارتر بمنظور واداشتن آن به تغییر سیاست و اتخاذ خط مشی که برارزیایی واقع بینانه وضع حاضر استوار باشد افزایش خواهد یافت. خلق توده‌های مردم ایالات متحده آمریکا بازگشت به سیاست "جنگ سرد" رانمی‌پذیرند.

توطئه علیه صلح در خاور نزدیک

امیل حبیبی

عضو هیئت مرکزی

حزب کمونیست اسرائیل

نعیم اشهب

عضو هیئت مرکزی

حزب کمونیست اردن

هجد هم سیتا میرکاتر رئیس جمهوری آمریکا ، سادات رئیس جمهوری مصر و یگین نخست وزیر اسرائیل در کمپ دیوید سندی درباره "استقرار صلح" در خاور نزدیک امضاء کردند . خصلت تسلیم آمیز این اسناد (از جانب رژیم سادات) که بدستور واشنگتن تنظیم شده اند بقدری واضح بود و تا حدی موجب انزجار روتنفرتودهای مردم جهان عرب گردید که حتی رژیمهای ارتجاعی کشورهای مانند عربستان سعودی ، اردن ، کویت و قطر جرات نکردند از تصمیمات کمپ دیوید حمایت کنند . محمد کامل وزیر امور خارجه مصر که در مذاکرات کمپ دیوید شرکت کرده بود به نشانه اعتراض علیه امضای این موافقت نامه استعفا داد . یکی از سناتورهای ایالات متحده آمریکا ضمن تفسیر این موافقت نامه بطور کامل منطقی و مدلل اظهار داشت : " در کمپ دیوید یگین همه چیز را برد و سادات همه چیز را باخت " (۱) . در برابر انتقادات شدید از اسناد امضاء شده حتی خود تهیه کنندگان آنها ناگزیر به اعتراف شدند که مشکلات عمده بحران خاور نزدیک حل نشده باقی میماند .

از خصلت عمیقاً ناعادلانه و حتی تحریک آمیز این موافقت نامه ها آشکارا چنین برمیآید که تنها با زور میتوان آنها را به خلقهای عرب تحمیل نمود . بطوریکه از جانب احزاب ما و تمام محافل صلح دوست تأکید شده است این موافقت نامه ها گام خطرناکی در راه جنگ تجاوزگرانه جدید است و همه منافع خلقهای خاور نزدیک و از جمله مردم اسرائیل و صلح جهانی لطمه میزند .

پس باید ببینیم محتوای واقعی توافقیها را حاصل در کمپ دیوید از چه قرار است ؟ این توافقیها شامل دو سند میباشد یکی : " چهارچوب صلح در خاور نزدیک " و دیگری " چهارچوب انعقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل " . سه جانب طرف مذاکره همچنین پیامهایی میان خود مبادله کردند که مواضع هر یک از آنها در مورد برخی از مسائلی که بر سر آن توافق حاصل نشده در این پیامها تشریح شده است .

نخستین سند یعنی - " چهارچوب صلح در خاور نزدیک " را میتوان به مثابه تلاش امپریالیسم

1 - " International Herald Tribune " September 23-24, 1978.

برای رسیدن به اهداف زیرین توصیف نمود :

— برهم زدن تصمیمات سازمان ملل متحد که شیوهها و پابندها حل و فصل اختلافات در خاور نزدیک در آنها تعیین شده و عوض کردن مکانیسم کنفرانس صلح ژنو (که میبایست با صادرات مشترک اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا و شرکت همهجوانب ذینفع از آنجمله نمایندگان خلق عرب فلسطین بر پایه برابری برگزار شود) با مذاکرات منفرد تحت حمایت ایالات متحده آمریکا میان اسرائیل با هر یک از کشورهای عرب بطور جداگانه .

در این سند البته مادیهای هم در این باره گنجانده شده که " منبای مورد توافق حل و فصل مسالمتآمیز اختلاف میان اسرائیل و کشورهای همسایه آن همان قطعنامه شماره ۲۴۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد و همه اجزای آنست " . اما مواد مربوط به حفظ بخشی از شبهجزیره سینا که متعلق بمصر است در اشغال اسرائیل برای مدت سه سال و کرانه غربی رود اردن و نوار غزه به مدت حداقل پنج سال و ماده مربوط به مذاکره با دولت اردن (اگر خواهان آن باشد) در مورد تقسیم بخش عرب نشین اشغال شده اورشلیم و مطالب بسیار دیگری مود این امر است که امضاء کنندگان این سند اصول عمده قطعنامه شماره ۲۴۳ شورای امنیت را در مورد غیرمجاز بودن تصرف سرزمینهای دیگران با توسل به نیرو یعنی لزوم خروج اسرائیل را از تمام سرزمینهایی که در نتیجه تجاوز ۱۹۶۷ اشغال نموده ، نفی کرده اند . صورت " قانونی " دادن به اشغال سرزمینهای کشورهای عربی از جانب اسرائیل و از جمله کرانه غربی رود اردن به انضمام بخش عرب نشین اورشلیم و نوار غزه . چنین است مفهوم سند قرارداد در مورد دوران " گذار " در کرانه غربی و در نوار غزه برای مدت پنج سال که باید پس از ایجاد " هیئت اداری خود مختار " در آنجا آغاز شود . وزیر امور خارجه اسرائیل دایان در اظهارات تلویزیونی خود توضیح داد که دوران گذار میتواند تا مدت نامحدودی طول بکشد " اگر در مورد شهرکهای نوینباد و یا مسائل دیگر اختلافاتی پدید آید " (۱) . علاوه بر این پیشبینی شده است که واحدهای نظامی اسرائیل برای دوران نامعلومی در نقاط مورد توافق در کرانه غربی و نوار غزه باقی خواهند ماند . ایجاد شهرکهای اسرائیلی نشین در این سرزمینها ادامه خواهد یافت . بگین رسماً اعلام کرد که وی موافقت کرده است که تنها طی سه ماه فقط در نواحی معینی شهرکهای تازه ایجاد نشود .

در مورد بخش عرب نشین اورشلیم که در سال ۱۹۶۷ اشغال شده باید گفت که این مسئله در مذاکرات کمپ دینوید اصولاً مورد بررسی قرار نرفته است . اما سادات در نامه خود به کارتر فقط به اعلام اینکه بخش عرب نشین این شهر " باید تحت حاکمیت اعراب قرار داشته باشد " بسنده کرده است .

باید خاطر نشان نمود که این سند اشغال اراضی سوریه یعنی ارتفاعات جولان از جانب اسرائیل را " قانونی میکند " .

در مقدمه این سند دعوت به انجام مذاکرات درباره " صلح و امنیت " در آینده بعمل آمده است که باید میان اسرائیل با هر یک از کشورهای همسایه آن که مادامی که برای چنین مذاکراتی داشته باشند ، صورت گیرد . مفهوم این امر آنست که کشورهای امضاء کننده سند با ادامه اشغال سرزمینهای عربی و از آنجمله سوریه از جانب اسرائیل تا زمانیکه هر یک از این کشورها به مذاکرات جداگانه با هیئت حاکمه اسرائیل تن در ندهند موافقت میکنند . از این راه میخواهند به کشورهای

نعمورد تجا و از اسرائیل قرار رفته اند شرایط اسرائیل را تحمیل کنند و آنها را مجبوره قربانی کردن استقلال ملی خود نمایند .

— ممانعت از تحقق حقوق عادلانه و قانونی خلق عرب فلسطین ، لغو تصمیمات سازمان ملل متحد در این مورد و غیره زدن به موجودیت ملی این خلق .

اصحاء کنندگان این سند با این عمل به " راضل " بگین گردن نهادند که نکات عمده آن عبارتند از: رد تأیید گرفتن موجودیت خلق عرب فلسطین ، حقوق قانونی آن و نمایندگی آن در سیمای سازمان آزاد بیخسر فلسطین که در جهان عرب و در عرصه جهانی برسمیت شناخته شده است و باقی نگه داشتن سرزمین این خلق به این بیان شکل در اشغال اسرائیل . این سند متفهم پیشینه‌های در مورد واگذاری " خود مختاری " به سنه ترانه غربی رود اردن و نوار غزه در سایه سر نیزه‌های نیروهای اشغال‌نراست . در ضمن سند واختیارات " هیئت اداری خود مختار " که بر اساس انتخابات باصلاح " آزاد " بوجود خواهد آمد البته از جانب اشغال‌نران اسرائیلی (با شرکت فرستاده‌های مصر وار دن ، در صورت تمایل اردن به تعیین اقدامی) تعیین خواهد شد . در پایان دوره گذار میان دولت‌های اسرائیل و اردن بایستی در مورد تعیین مرزهای نهایی در کرانه غربی مذ اثراتی بعمل آید و این خود نوا به بارز تعیین اردن جبری این مرزهاست . در ضمن چنانکه وزیر امور خارجه اسرائیل اظهار داشته است: " دولت فلسطین نمیتواند ایجاد شود " . ولی در باره حل و فصل مسئله آوارگان فلسطینی باید گفت این موضوع اصولا به دولت اسرائیل واگذار شده است .

— ادامه دادن به تلاش و کوشش برای جلب سایر کشورهای عربی بمذاکرات جداگانه با اسرائیل .

سند مصوب در رتیب دیوید به نحوی فرمول بندی شده که نه تنها تفرقه در صفوف کشورهای عربی و سرخم زدن وحدت جنبش میهن پرستان فلسطینی را تشدید کند بلکه قسرها و عناصر مرمیسی از سازمان آزاد بیخسر فلسطین را با خدعه و تریب بدامی افکند ککار ترس و اسادت برای آنها گسترده ماند . در حال حاضر لبه تیز این توافقنامه متوجه خلق عرب فلسطین و وحدت صفوف آن است . در آن بخش این قرارداد که مربوط به کرانه غربی و نوار غزه است ماده ای باین مضمون وجود دارد که در مذاکرات مربوط به " شکل ایجاد هیئت اداری انتخابی خود مختار " هیئت‌های نمایندگی مصر ، اسرائیل و اردن شرکت خواهند داشت . ضمنا " هیئت‌های نمایندگی مصر وار دن میتوانند نمایندگانی از فلسطینی‌های کرانه غربی و نوار غزه و یاد نیز فلسطینی‌ها را با توافق طرفین به ترکیب نمایندگی خود وارد کنند " . بدینوسیله امپریالیسم و ارتجاع ضمن تلاش برای تحریم فلسطینی‌ها علیه یزدی بیرون شوند برخی از محافل اپورتونیستی راست‌نرا را به شوای " دانه " بدام خود اندازند .

در سند دیگری که به " چهارچوب اعتقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل " مربوط است ، صحبت بر سر مودت عقب کشیدن و احد های نظامی اسرائیل به مرزهای دولتی میان مصر و اسرائیل است . (عقب کشیدن جزئی از واحد های سه تا نه ماهه پس از امضای پیمان صلح و عقب نشینی کامل ملی دو تا سه سال پس از آن انجام خواهد گرفت) . پیش بینی شده است که نخستین نام در این راه باید امضای پیمان صلح در طرف سده ماهه با برقراری روابط دیپلماتیک ، اعتنادهای و باز رفتاری و دیگر مناسبات میان دو کشور باشد . تحت اقدامات بعدی یعنی برجیدن شهرکهای اسرائیلی در شبه جزیره سینا و شوم الشیخ ، واگذاری دوفردگاه نظامی اسرائیلی به مصر در شبه جزیره سینا که سالقا باید برای آموزش نظامی مورد استفاده قرار گیرند ، ایجاد مناطق قسما و پاکلا غیر نظامی با استقرار نیروهای بین المللی در آنها (و ایجاد احتفال و مراسم در یادیه‌های زیر نارت امریکاییها)

ساختن جاده ای که شبه جزیره سینار را به اردن متصل کند و مورد استناد اسرائیلی ها باشد
هم به امضای پیمان صلح بستگی دارند .

حزب کمونیست مصر طی بیانیه ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸ خود ماهیت شوم این نقشه ها را بر ملا
کرده و خاطر نشان نموده است که زد و بند کمپ دیوید " قبل از هر چیز بمنزله خیانت به مصرو سپس
خیانت بمنافع فلسطینی ها و اعراب است " . در این بیانیه همچنین گفته شده است که " خروج "
اسرائیل از سینا این منطقه را به حاکمیت مصر در نمیآورد " . سادات با امضای موافقتنامه های
" کمپ دیوید " به تنهایی حقوق عادلانه ملی خلق عرب فلسطین ، بلکه همچنین از حقوق خود مصر
در مورد برخورداری کامل از حق حاکمیت در سرزمینهای خود ، دست برداشته است . رئیس
جمهوری مصر هیچوجه پنهان نمیکند که قصد دارد به حل و فصل جداگانه مسائل با اسرائیل تن
در دهد و مذاکرات سه جانبه ای که در لحظه نوشتن این سطور در واشنگتن جریان دارد و هدف
اعلام شده آن یعنی امضای پیمان صلح میان مصرو اسرائیل تا نوزدهم نوامبر ۱۹۷۸ است ، مؤید
این نظر است .

علاوه بر این موافقت نامه های کمپ دیوید راه اشغال اراضی مصر از جانب امریکا و ایجاد پایگاه
های نظامی امریکا در آن منطقه و نیز در سرزمینهای اسرائیل را دعوامیکند . بنا به گفته فرنلرچر ،
سناتور امریکایی بگین با امضای سنا اطلاع داده است که ایالات متحده امریکا میتواند با موافقت اسرائیل
در حیف پایگاه نظامی ایجاد کند و با موافقت مصر پایگاه نظامی مشابهی در شبه جزیره سینا بوجود
آورد (۱) . در اعلامیه حزب کمونیست اردن (سپتامبر ۱۹۷۸) خطر ویژه شدن نفوذ امریکاییسم
ایالات متحده امریکا در خاور نزدیک در نتیجه زد و بند های کمپ دیوید تأکید شده است . موافقت
نامه های امضاء شده در کمپ دیوید پاسخوی نیات امریکایی بر تشکیل بلوک اسرائیل و مصر
(با درهای گشاده برای دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه) علیه خلقهای منطقه ماعلیه افریقا و اتحاد
شوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی میباشد .

سرانجام سخنی چند درباره پیامهایی باید گفت که شرکت کنندگان در ملاقات کمپ دیوید
میان خود مبادله کردند . این پیامها علاوه بر آنچه یاد آور شدیم متضمن نکات زیرین است :

۱ - تعهد بگین در مورد اینکه مسئله مربوط به تخلیه شهر کبکها اسرائیلی نشین در شبه جزیره
سینار در کسبت یعنی پارلمان اسرائیل مورد بحث و مذاکره قرار دهد (نتایج آ میز پارلمان
جلب شده است) .

۲ - تشریح مواضع مصرو اسرائیل که در مسئله سرنوشت اورشلیم با هم اختلاف دارند .
اسرائیل روی این مسئله اصرار ورزیده است که " اورشلیم واحد " بعنوان " پایتخت دولت اسرائیل
برای همیشه باقی بماند " . مصر فقط به تأیید حقوق ملی اعراب در اورشلیم بسنده کرد و توافق
کردند که این شهر را لحاظاً ، اداری بصورت شهرواحدی باقی بماند .

۳ - اعلامیه مصر درباره آمادگی خود برای آغاز مذاکرات جداگانه با اسرائیل " به نمایندگی
از طرف اعراب و فلسطینی ها " در مورد سرنوشت ترانمفزی و نوار غزه ؛

۴ - توضیح اسرائیل درباره اینکه منظور فلسطینی ها فقط ساکنان کرانه غربی و نوار غزه
است ولی منظور کرانه غربی " یهود یبسا و مساریها " هستند .

با وجود تعبیر و تفسیرهای متضاد احتمالی در فرمول بندی یهای اسنادی که در کمپ دیوید به

تصویب رسید و خلقهای مافوق‌میدند که این اسناد نمیتواند به استقرار صلح منجر گردد. تصویب امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا سی سال است که یعنی اولین گوناگون از این امر صامت بعمله می‌آورد و میکوشد کانون جنگ و رخا و نزود يك را حفظ کند و آنهم جنگی که آتش آنرا هر وقت برایش لازم باشد شعله‌ور میسازد. سالهای متباد است که در قلب اعراب جراحت خونباری وجود دارد که برای خلق اسرائیل هم مصائبی بی‌ار می‌آورد. بنا بر عقیده و احزاب ما موافقتنامه‌های کمپ دیوید بمثابة ادامه و در عین حال تشدید فعالیت در زمینه این خط مشی امپریالیستی خطرناک و تلاش جدیدی برای بی‌عقب بازگرداندن پروسه کاهش تشنج و بازگشت به "جنگ سرد" و "جنگهای گرم منطقه‌ای" است. در قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل گفته میشود: "از لحاظ سه‌پیدايش دولت اسرائیل تاکنون حزب کمونیست اسرائیل تأکید میکند که به اختلافات و درگیری اسرائیل و اعراب با کوشش برای حل و فصل آنها زیر نظرارت کشورهای امپریالیستی نمیتوان پایان بخشید... شعار ما باید چنین باشد: نه با امپریالیسم علیه خلقهای عرب بلکه با خلقهای عرب علیه امپریالیسم، در راه آزادی اسرائیل و خلقهای عرب و در راه صلح و امنیت در منطقه - فقط چنین سیاستی میتواندست پاسخگوی مصالح عالیله خلق اسرائیل باشد".

ضمن اظهار نظر در باره نقش رئیس‌جمهوری کانترو رز و ویند کمپ دیوید می‌خواهیم یادآور شویم که در دستگاه اداری وی قبلاً هم ترتیب دهند و مذاکرات تسلیم طلبانه ای بود که رئیس‌جمهوری مصر در نوامبر سال ۱۹۶۷ با زمامداران اسرائیل آغاز کرد و پیش‌تر آمد آنها موافقت نامه‌های جداگانه سینا بود. دولت آیالات متحده امریکا بدان منظور است به چنین کاری زد که از اجرای تصدیقات ناشی از اعلامیه مشورت امریکا و شوروی مورخ اکتبر سال ۱۹۶۷ سر باز زند. این اعلامیه چنانکه معلوم است در نمایی برای فراخواندن شرفرازان صلح ژنو در همان پایان سال گذشته بوجود می‌آورد و این عمل امکان میداد در جهت حل و فصل عادلانه و جامع مسائل در رخا و نزود يك به پیشرفت‌های واقعی نائل گردید.

بعید نیستی شگرف و خصمیت تجا و زگرانه توطئه سه‌جانبه کمپ دیوید میان تودهای انبوه مردم جهان عرب موج خشم و انزجار همگانی را برانگیخت. این توطئه از طرف خلق عرب فلسطین با اتفاق آراء محکوم گردید. در جلسه‌ایکه در ناحیه عرب نشین اورشلیم برگزار شد و شخصیت‌های اجتماعی نامی و شهرآرهای همه شهرهای کرانه غربی در آن حضور داشتند به اتفاق آراء اعلامیه‌ای بیه تصویب رسید که ز ویند کمپ دیوید را تمام و کمال مردود می‌شمارد.

گسترش و تقویت وحدت نیروهایی که در جهان عرب عدیه امپریالیسم و تجا و ز مبارزه میکنند، تقویت و استحکام مناسبات آنها با کشورهای سوسیالیستی و انکشی در قبال توطئه کمپ دیوید بود. قرارهای کنفرانس سران دولت شرکت‌کننده در جنبه ثبات و مقاومت که در سپتامبر سال ۱۹۶۸ در ریاستخت سوریه تشکیل گردید برای این نکته‌گواهی میدهد.

در اعلامیه حزب کمونیست اردن که از آن سخن میمان آوردیم لزوم افزایش پشتیبانی از این جنبه و مبارزه طابع علیه‌نیات سوء امپریالیسم، صهیونیسم و تعال آنها تا بکشد شده است. برای آنکه به نیروهای تودهای مردم کشورهای عربی امکان برور داده شود این نیز ضروری است که به‌تمام محدودیتها و هرگونه تلاش برای خفه کردن آزادیهایی در مؤثراتیک از طرف محافصل حاکمه و شیوه‌های دیکتاتوری اداره‌کشور پایان داده شود.

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق بنامسبت موافقتنامه‌های کمپ دیوید خاطر نشان شده است که "انجام این معامله بوسیله سادات و با حمایت آشکار و نهانی ارتجاع عرب مویب این

واقعیست اساسی روشن است . . . که میان این خط مشی خیانت آمیز و خصیلت طبقاتی آن نیروها و رژیمهای جهان عرب که در راه تحقق بخشیدن به آن مساعی فراوانی مبدول داشتند ارتباط متقابل موجود است . . . برای رژیم سادات کمپ دیوید نتیجه قطعی مجموعه سیاست اجتماعی اقتصاد و این رژیم در سالهای اخیر است . سادات با برخورداری از تشویق و ترغیب محاسن امپریالیستی و ارتجاعی از جمله بخود جرات داد تصمیمات کنفرانسهای سران کشورهای عرب در مورد حمایت از حقوق خلق عرب فلسطین در تعیین سرنوشت خویش ، ایجاد دولت مستقل خود و انتخاب رهبران و نمایندگان قانونی خویش در سیمای سازمان آزاد ییخش فلسطین رازبسیاری بگذارد .

در شرایطی که پدید آمده بر خلق عرب فلسطین (که این توانائی را نیز داراست) واجب است نیروی انقلابی خود را با زهم بیشتر مسیج کند و صفوف خود را با وحدتی به گسترده ترین مقیاس ها با کشورهای ترقیخواه عرب و با کسانیکه متحدین طبیعی جنبشهای رهایی بخش ملی هستند و در درجه اول با اتحاد شوروی فشرده تر و مستحکم تر سازد . انجام این کار از آنرو ضروری است که از افتادن در راه اقدامات عجولانه و نسنجیده ناشی از نظریات غیرواقع بینانه و افراطی احتراز شود . زیرا آن راهی است که ارتجاع عرب و مقدم بر همه ارتجاع مصریست . خیانت آمیز از پشت میتواند خلق عرب فلسطین را بدان دچار سازد . باید بطور پیگیر از خط مشی مبارزه مقدس در راه احیای کامل حقوق قانونی ملی و دستیابی به صلح واقعی پیروی نمود و چنانکه تجارب درانی متجاوز از سی سال نشان داده است استقرار چنین صلحی بدون حل عادلانه مسئله فلسطین غیر ممکن است .

امپریالیست ها و زمامداران اسرائیل گویا چنین حساب میکنند که در نتیجه رویدادهای کمپ دیوید آنها برای سرکوب جنبش رهایی بخش ملی خلقهای عرب آزادی عمل بیشتری بدست آورند . از جمله تشدید روزافزون و خامت اوضاع در لبنان همگواه بر این امر است . حزب کمونیست سوریه تأیید میکند که " در این مطالب تردیدی نیست که امپریالیسم ، اسرائیل و همچنین سادات برای تشدید و خامت اوضاع در این کشور برادری منتهی و اعمال فشار بر سوریه و جنبش مقاومت فلسطین دست به اقدامات عاجلی خواهند زد تا به آنها امکان داد نشود سهم خود را در عقیم کردن نقشه های امپریالیستی و صهیونیستی ادا نمایند . بدون تردید تحکیم اتحاد میان سوریه و جنبش مقاومت فلسطین از یک سو و جنبش رهایی بخش لبنان از سوی دیگر میتواند پاسخ لازم به ایسمن تو طوغه ناپاشد " .

موافقتنامه های کمپ دیوید خطراتی دیگری نیز در بردارد . خطر یک تجاوز تازه و تشنه در منطقه ما تشدید نشده است . محافل حاکمه مصر این علاقه و تمایل خود را پنهان نمیدارند که در مبارزه با تحولات انقلابی در آفریقا و جنوب شبه جزیره عربستان یعنی در یمن در موکراتیک پیش از زمامداران اسرائیل فعالیت نشان خواهند داد .

ما این خطر را کاملاً درک میکنیم . اما قلوب خلقهای ماسرشارا ز امید است . آنها می بینند که نیروهای صلح دوست و در رأس آنها اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی هشیار و مراقب اند . سراسر جهان سخنانی را که رفیق برژنف طی نطق خود در ریاست ایالات متحده با کمال دقت مورد توجه قرار دادند . رفیق برژنف در مورد کمپ دیوید و بحران خاور نزدیک چنین اظهار داشت : " . . . هرگونه تلاشی برای بی اعتنائی نشان دادن به شرایط لازم و بنیادی حل و فصل واقعی مسئله خاور نزدیک ، برکنار کردن و یا بازاری نگرفتن این یا آن شرکت کننده قانونی در جریان حل و فصل ، درنگ و نگرفتن منافع آنها و تحمیل شرایط خود به آنها چیزی غیر از

پنداری باطل از حل و فصل نمیتواند بیاورد تجا رب سالیان دراز بنحوی انکارناپذیر با ثبات میرساند که برای حل و فصل واقعی اختلافات خاور نزدیک تنها یک راه وجود دارد . این راه عبارتست از آزادی کامل همه سرزمینهای اعراب که در سال ۱۹۶۷ از جانب اسرائیل اشغال گردیده ، احترام کامل و صریح به حقوق قانونی خلق عرب فلسطین از آن جمله حق تشکیل دولت مستقل برای آن و تأمین امنیت تضمین شده برای همه کشورهای منطقه که طبعاً اسرائیل هم یکی از آنهاست . چنین حل و فصل جامعی تنها با شرکت تمام طرفهای ذینفع از آن جمله سازمان آزادیبخش فلسطین امکان پذیر است " (۱) . در ضمن کفران صلح ژنویعنوان مکانیسم بین المللی که بویژه برای دست یافتن به صلح در خاور نزدیک تشکیل گردیده (چنانکه در اعلامیه مشترک چند ی پیش شوری و سوریه هم دوباره تأکید شده است) تمام اهمیت خود را حفظ میکنند . خطرهایی که از امپریالیسم و ارتجاع در خاور نزدیک ناشی میشود خطرهای جدی هستند .

بهمین سبب حزب ما خطاب به تمام نیروهای میهن پرست که بمسئولیت خود واقفند ، آنها را قرا میخواند که اختلاف نظریهای کم اهمیت خود را بر طرف کنند ، صفوف خویش را متحد سازند و در مبارزه در راه استقرار صلح عمومی و عادلانه برای همه خلقها و کشورهای منطقه مایه وین استثناء به اتحادی بسیار وسیع دست یابند . در برابر خطر جنگهای تجا و زکارانه جدید که ممکن است از جانب اسرائیل با حمایت امپریالیسم امریتا آغاز گردد بسیج نیروهای خلقهای ما و اتحاد روش و خط مشی مؤثر و عادلانه ای در مقابل سیاست غارتگرانه امپریالیستی و تجا و ز اسرائیل و خیانت ارتجاع عرب ، کمال ضرورت را پیدا میکند .

انحصارها در سرمایه داری معاصر

آبرام میلیوفسکی

عضو وابسته فرهنگستان علوم

اتحاد شوروی

یوری یودانف

دکتر علوم اقتصادی

مارکسیست ها زود تها پیش گفته اند که دستگاه بسط و تکامل یافته تنظیم دولتی و انحصاری اقتصاد کشور سرمایه داری را از بحران ها خلاص نمیکند. بحران اقتصادی اواسط سالهای هفتاد میلادی صحت این پیش بینی را با ثبات رسانید. این بحران را از لحاظ دشواریهای برطرف ساختن پی آمده های آن برای سرمایه داری کاملاً بحق با بحران سالهای سی مقایسه میکنند که چنانکه میدانیم در آن هنگام دستگاه های عریض و طویل و همه گیری مانند امروز وجود نداشت. علیرغم تمام کوشش های کشورهای عمده سرمایه داری در سالم سازی اقتصاد و فراهم کردن امکان فرارسیدن مرحله رونق موفیقی بدست نیامد. بی ثباتی هژوزم بمنزله خصلت تعیین کننده وضع کنونی اقتصاد سرمایه داری بحال خود باقی است.

علل این عدم موفقیت در خصلت طبقاتی سیاستی است که علیه بحران و بسود انحصار اعمال میگردد. نقش بی ثبات کننده انحصارها در اقتصاد، مساعی آنها برای مانع از پایان بخشیدن به بحران از طریق ایجاد درگرونیهای بنیادی در موکراتیک، کوشش برای افکندن بار پی آمده های بحران بدوش زحمتکشان، همهمه بارد پرتراپید میکنند که فقط آن سیاست ضد بحرانی میتواند مشرعرکرد که برپایه ضد انحصاری استوار باشد.

یکی از شرایط تئوریت لازم برای تهیه و تدوین چنین سیاستی بنابر عبارت از ادامه پژوهش و بررسی های مارکسیستی نقش معاصر انحصارهای ملی و بین المللی در سیستم سرمایه داری دولتی انحصاری است. درباره نتایج چنین پژوهش هایی که از طرف مارکسیست های کشورهای مختلف بعمل میآید در صفحات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" در گذشته مفصلاً صحبت شده است. ما میخواهیم به بحث درباره یک سلسله از مسائل که به درک ماهیت و سرشت انحصارها و مقام آنها در اقتصاد سرمایه داری مربوط میشود ادامه دهیم.

این مقاله در ادامه سلسله مقالاتی است که به بحث درباره مسائل بحران سرمایه داری اختصاص داده شده است. رجوع کنید به مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره های ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ سال ۱۹۷۸.

تئوری لنینی امپریالیسم کلیدی برای درک استخوان بندی و تشریح انحصارها در سطح فرم های بزرگ و کنسرن ها و دینامیک درونی آن که باعث گسترش دامنه فعالیت انحصارها در خارج از مرزهای ملی میگردد (یادآور میشوم که در چها رچوب همین مرزهای ملی است که انحصار بر پایه بسط و تکامل سرمایه داری دولتی - انحصاری کاملاً نیرومند میشود) و بالاخره برای درک تبدیل شدن انحصارها به نیروی بین المللی در نتیجه صد و سرمایه و پیدایش روابط بین المللی بفرنج آن بدست میدهد .

آیا عرصه به انحصارها تنگ تر میشود ؟

آیا در دوران ما انحصارها هر روز موضع تازه ای بدست می آورند و یا اینکه افزایش آشکارتر نقش دولت در عرصه اقتصادی آنها را عقب میزند ؟

بطوریکه بسیاری از اقتصاد دانان بورژوازی یا قاطمیت اظهار میکنند گرایش افزایش تمرکز تولید و سرمایه نه فقط متوقف شده بلکه عقب بازگردیده است . بطور مثال در نشریات بورژوازی اغلب گفته میشود که طی ۳۰-۴۰ سال اخیر در ایالات متحده امریکا تمرکز در سطح کمپانی ها ثابت مانده و یا حتی کاهش یافته است . برای اثبات این نظر معمولاً شاخص های سهم بزرگترین کمپانی معتبر و سهم در تولید این یا آن رشته مشخص (طی چندین سال) را بحساب می آورند و یا سهم انحصارهای بانفوذ در تولید در یک رشته مشخص طی دوره معینی را با هم مقایسه میکنند . ولی استفاده از آمار و ارقام بر حسب رشته های مختلف و یا یک رشته جداگانه ، ارزیابی صحیح پروسه تمرکز تولید و سرمایه در شرایط موجودیت کنسرن های مختلف و مجتمع های نامتجانس را (که تعداد زیادی از موسسات را در بر میگیرند و اکثر آنها هم به رشته های گوناگون مربوط اند) بدست نمیدهد . فقط آمار و ارقام کلی و تعمیم یافته است که میتواند منظر واقعی را برای ما مجسم نماید . بطور مثال ۲۰۰ کمپانی از بزرگترین کمپانی های امریکا را برداریم . در سال ۱۹۴۷ سهم آنها ۳۰ درصد و در سالهای ۷۰ بالاً ۴۳ درصد بود . سهم ۵۰ شرکت بزرگ طی همین مدت از ۱۷ درصد تا ۲۵ درصد افزایش یافت (۱) .

تعداد انحصارهای عظیم ملی و بین المللی که طی دهساله اخیر رشدت فزونی یافته و در سلسله انحصارها در بالاترین طبقه قرار دارند با وضوح ویژه ای تشدید پروسه اجتماعی شدن سرمایه و جنبه های خاص و متمایز آنرا تشریح و توصیف میکند . اگر در آغاز ترن بیستم فقط یک شرکت با سرمایه در گردش بیش از یک میلیارد دلار (یونایتد استیس استیل) وجود داشت ، طبق آخرین محاسبات مجله " فورجون " ، در سال ۱۹۷۷ فقط در ایالات متحده امریکا ۱۹۳ انحصار عظیم (آبرانحصار) به ثبت رسیده است (۲) . بحران سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ پروسه انحصاری شدن (مونوپولیزاسیون) را تسریع کرد . در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۷ ، ۳۹ انحصار جدید به " گلوب " شرکت های پیوستند . حجم فروش این شرکت ها بیش از یک میلیارد دلار است (۳) . در ایالات متحده امریکا انحصارهای میلیاردی ۵۰ درصد مجموع کل شرکت ها را تشکیل میدهند . با وجود این ، این انحصارها در سال ۱۹۷۵ ، ۵۲ درصد سرمایه های در گردش صنایع

1 - Statistical Abstract of the United States: 1976, Washington, 1976, p. 520.

2 - " Fortune ", May 8, 1978, pp. 240-258.

3 - Ibidem, May, 1977, p. 364; May 8, 1978, p. 238.

استحصالی ونیمه ساخته را در اختیار داشتند و (۱) درصد مجموع منفعت پس از کسر کردن مالیات های آنها تعلق می گرفت (۱). این منظره را در سایر کشورهای سرمایه داری پیشرفته هم میتوان مشاهده کرد.

تشدید سلطه اقتصاد ی بزرگترین اتحاد های انحصاری از خصائص ویژه سرمایه داری معاصر است. نتیجه گیری لنین درباره اینکه پیدایش انحصارها بوسیله "تمرکز تولید در همه جا قانون عام و اساسی مرحله کنونی پیشرفت سرمایه داری است" (۲) هنوز هم بقوت خود باقی است. از جناح های دیگری هم کوشش هایی برای تحریف ماهیت اقتصاد ی انحصارها بعمل می آید. ایدئولوگ های بورژوازی از جمله میگویند بعلت "موکراتیزه شدن" سرمایه (یعنی فروش سهام کمپانی های تشریحی انبوه اهالی) گویا شرکتها جنبه های استثماری اجتماعی - اقتصادی خود را از دست داده اند. ولی در واقع امر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مالکیت جمعی سرمایه داری (از قبیل شرکت های سهامی، دولتی) مسلط است. در سال ۱۹۵۶ در ایالات متحده امریکا آخرین کمپانی انحصاری که به سرمایه داری واحدی تعلق داشت یعنی کمپانی "فورد موتور" به شرکت سهامی مبدل گردید. اما این بمعنی پیدایش تغییر در خلعت مالکیت سرمایه داری نیست. علاوه بر این قسمت اصلی سرمایه شرکت سهامی بهیچوجه چنانکه دعوی میکنند میان دارندگان سهام کوچک "باجزاء کوچک تقسیم و تجزیه" نشده، بلکه در دست یک مشت میلیونرو میلیاردر متمرکز گردیده است. طبق محاسبات ف. لاندبرگ، جامعه شناس امریکا ۸۲٫۲ درصد تمام سهام در ایالات متحده امریکا به ۱٫۶ درصد از بزرگسالان کشور تعلق دارد (۳). انحصارهای ملی و بین المللی عنصر مهم ساختار سرمایه داری معاصرند. در ضمن تضاد های آشتی ناپذیر نظام سرمایه داری از جمله تضاد های عرصه تولید، بویژه در شرایط انقلاب علمی و تکنیکی، مدخله روز افزون دولت در اقتصاد را که بمنزله ورتحقق منافع بنیادی بورژوازی انجام میگیرد، ناگزیر میسازد. دولت های بورژوازی با واگذاری نتایج مهمترین دست آورد های علوم به سرمایه انحصاری به افزایش شمر بخشی فعالیت شرکت ها کمک میکنند، و زیر ساختار اجتماعی و تولیدی را بسود انحصارها بشدت و سرعت بسط و تکامل میدهند و بهنگام حل و فصل درگیریهای انحصارها با بخش های غیر انحصاری اقتصاد و زحمتکشان، از انحصارها طرفداری میکنند.

حاملین انحطاط و عقب ماندگی

تولید اجتماعی سرمایه داری که بر این پایه رشد میکند هنوز زیر بنای مادی - تولیدی مشابه سوسیالیسم را بوجود نمیآورد. بعکس چنین تولید اجتماعی پیدایش ساختار غیر معقول تولید و مصرف همراه است که منعکس کنند ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی سرمایه داری دولتی - انحصاری است. کوشش انحصارها برای دست یافتن به استقلال کامل در فعالیت های تولیدی بحساب ایجاد بخش های خصوصی صنعتی، مصرفی، علمی و پژوهشی و غیره، آنها را در زمانی که عصر تخصصی شدن تولید فرارسیده، گرایش ارتجاعی در تقسیم اجتماعی کار بوجود آورد. ک. تیل پژوهشگر مشهور انگلیسی یادآور میشود که "کسرنهای مافوق ملی بدین علت خطرناک اند که بمنزله

1 - Statistical Abstract of the United States, 1976, p. 521.

۲ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی)، جلد ۲۷، صفحه ۳۱۵.

۳ - ف. لاندبرگ، ثروتمندان و شورتمندان بزرگ، مسکو، ۱۹۷۵، صفحه ۲۸.

بنک سازمان برای تأمین عقلانی نیازمندیهای آتی جامعه بشری مجهز و مستعد نشده اند و نه به این علت که قدر رقتند " (۱) .

شرکت‌های عظیم مختلف در درجه اول در تلاش انحصاری کردن بازارهای مصرف‌اند تا بتوانند حداکثری‌الا سود را بدست آورند . سیاست ایجاد شرکت‌ها و موسسات عظیم هر چه و هر چه تولید را بطور کلی در جامعه تشدید میکند ، موجبات انفراد " امپراطوریهای اقتصادی " را فراهم می‌آورد و امکانات زیادی برای سوء استفاده از قیمت‌های حواله پذیر در داخل شرکت ایجاد میکند . رقابت انگیزه فعالیت‌های شایسته برای بوجود آوردن واحدهای بسیار نیرومند تولید اضافی میگرد . اتحادهای بزرگ انحصاری تعادل اقتصادی نسبی و شکننده موجود میان تولید و مصرف را بی ثبات تر میکنند . انحصارها که تمام جهات زندگی اجتماعی را در کشور سرمایه داری ، صرف نظر از نظام سیاسی آن تحت نفوذ خود در آورده اند در یک جرگه با دولت بورژوازی مسئولیت بحران اقتصادی اخیر و کاهش آهنگ پیشرفت اقتصادی و افزایش و تعمیق عدم تعادل در اقتصاد را بعهده دارند .

فعالیت انحصارها به اسراف و تبذیر و هدر رفتن کار اجتماعی و منابع مادی منجر میگرد . انحصارها بکم سیستم شبکه ای مارکتینگ یعنی شیوه های پژوهش عمیقاً مشعب بازارهای فروش به مقیاس های بیسابقه ای تقاضای اجتماعی را صخ میکنند و منافع واقعی مصرف کنندگان را فدای هدف های سود جوینه خویش میسازند . نیازها و تمایلات و ذوق و سلیقه مصرف کنند در دستخوش تغییر و تحول میشود و ولسی این تغییر و تحول در درجه اول تحت تاثیر سرعت روز افزون پیدایش ، شکفتگی و از بین رفتن " سبیل های پرستیز " که بار اده دیکتاتورهای مد تغییر و تبدل پیدا میکنند تحقق می یابد و نه بر اساس نیازهای مبرم ترقی و تکامل جسمی و روحی انسانها . در نتیجه ما شاهد جابجاشدن مزمین دست آورد های واقعی یا واهی و نواوریهای واقعا ارزنده با بیفایده هستیم (۲) .

نقش انحصارها بمنزله حاملین ارتجاع در تمام جهات و سطوح بویژه باطو آشکار در شرایط بحرانی سالهای ۷۰ معلوم شد . انحصارها که میکوشند سنگینی بار بحران را بطور کامل بدوش زحمتکشانشان بینند در عین آنکه تمام ابداء بمرمکن را برای محدود ساختن مصرف قشرهای انبوه اهالی

1- G. Tempel. Als wär's der liebe Gott. Die Weltmacht der Konzerne. Gütersloh-Wien, 1971, S. 67.

۲ - مجله " شپینگل " آلمان غربی اینطور نوشت : " در تولید اتومبیل مشکل بتوان گفت که از سالهای ۶۰ به اینطرف انقلاب تکنیکی رخ داده باشد ولی سازماندهی بازار نقش بسیار خوبی ایفاء کرد . " جنرال موتورز " ، " فورد " و " کرایسلر " به ساکنان قاره اینطور تلقین میکنند که مردم باید " دراند و لت " های بزرگ و بی تناسب را بخرند و در این معامله پولهای کلانی بجنب میزنند . . . هائیری فورد دوم گفت : " اتومبیل های کوچک سود کمی میدهند " و حق هم با او بود . کنسرن فورد از " دراند ولت " سه هزار دالری که موتوری قوی دارد و در هر . ۱ کیلومتره ۲ لیتر بنزین مصرف میکند و سه مان نسبت هم گازهای سمی با اسراف پراکنده مینماید و بار بیش از اتومبیل های معاصر و هزار دالری منفعت میدهد . کنسرن های اتومبیل سازی بیست و هفت مقرر کردن قوانین ویژه ای از طرف خود در سالهای اخیر هر چه بیشتر از راه پیشرفت عقلی و منطقی از لحاظ اقتصادی و توجه به محیط زیست منحرف میشوند .

" Der Spiegel ", 20 Mai 1974, S. 49, 52.

اتخاذ میکنند حتی ارزشیوهای اقتصاددان انگلیسی کینس " برانگیختن علاقه به افزایش نیازمندی های مصرفی " هم امتناع میورزند . شرکت های بزرگ با بالا بردن سریع و بیشتر از حد قیمت های انحصاری موافقت کردند و ترجیحی این اقدام خود افزایش هزینه های لازم برای تولید (در نتیجه بحران های مربوط به انرژی ، مواد خام و محیط زیست) و همچنین بالا رفتن میزان دستمزدها در اثر فشار اتحادیه های حرفه ای را بهانه قرار دادند . بالا رفتن انحصاری قیمت ها افزایش دستمزدهای معمولی را خنثی میسازد و اغلب موجب کاهش درآمد واقعی زحمتکشان میشود . علاوه بر این بالا رفتن قیمت ها به یکی از عوامل تورم مزمن مبدل گردیده است و تورم هم بنوبه خود بی ثباتی و هرج و مرج اقتصاد را عمیقتر میسازد ، ورشکستگی فرم های کوچک را تسریع میکند و بیکاری تناوبی را به بیکاری مزمن مبدل میکند .

در سالهای ۷۰ قرن جاری میلادی رشوه و ارتشاء و حیف و میل پولها و اعتبارات دولتی وسیله انحصارها مقیاس بیسابقه ای پیدا کرد و فعالیت " مؤسسات مختلط " در ایستالیا و فرانسه از جمله برای امرگواهی میدهد . چند برابر ساختن تصنعی ارقام بودجه های اولیه طرح های مختلف که بمسافرش دولت باید وسیله بیزنس خصوصی جامعه عمل بیوشد ، حالا به رسم و قاعده کلی مبدل گردیده است . این موضوع در درجه اول به سفارش های نظامی و برنامه های عظیمی نظیر برنامه انرژی در ایالات متحده آمریکا مربوط میشود . این مطلب شایان توجه است که در ربود جبهه مقدماتی لوله کشی نفت آلاسکا از همان آغاز افزایش میزان دزدی از خزانه دولت پایه گذاری شده بود . دولت بورژوازی که بهنگام اجرای برنامه های اجتماعی در رشته بهداشت ، فرهنگ ، و بهسازی شهرها خست بخرج میدهد اعتبارات سخاوتمندانه ای به انحصارهایی که در خطر ورشکستگی قرار گرفته اند اختصاص میدهد . چنین " کمک فوری " بطور مثال به فرم غذایی مانند " لاکمید " رسانده شد . در سیاست سرمایه کلان هنگام بروز بحران جنبه تازه ای نمودار میشود . انحصارها از بیم آنکه بمباد انبوهی در موکراتیک بدین یابند ان شکل به حکومت برسند و مواضع دست نشانندگان و شرکای کورپوراسیون هارا متزلزل سازند دامنه تبلیغات گسترده ضد کمونیستی را به مقیاس بی نظیری توسعه دادند . در عین حال برای واگذاری یک سلسله از موسسات دولتی به سرمایه داران در بخش خصوصی و ایجاد شرکت های مختلط دولتی و خصوصی یعنی ساختن نوعی " سپرد قاعی " علیه برنامه ریزی در موکراتیک اقتصاد از طرف آنها اقداماتی بعمل آمد .

سرمایه بین المللی میشود

تبدیل یافتن بزرگترین کمپانی های ملی به کمپانی های بین المللی طی ده ساله اخیر تجسم مرحله تازه تمرکز جهانی سرمایه و تولید است (۱) . اگرچه این قبیل انحصارها تنگ و تنگ در قسرن نوزدهم نیز وجود داشت (۲) ، آغاز رتجا و گسترده آنها در اقتصاد سرمایه داری جهانی تقریباً سه نیمی دوم سالهای ۵۰ قرن بیستم مربوط میگردد . انحصارهای بین المللی ، مرحله تازه و بیسابقه بین المللی شدن زندگی اقتصادی سرمایه داری معاصر را منعکس نمودند .

- ۱ - رجوع کنید به مجموعه کامل آثار لنین (بزبان روسی) ، جلد ۲۲ ، صفحه ۳۶۴ .
 - ۲ - در یکی از گزارش های انحصار رفتی ایالات متحده آمریکا " اکسون " خاطر نشان شده بود که این انحصار " ۵۰ سال پیش از پیدایش چنین مفهومی یک شرکت بین المللی بود " .
- " Der Spiegel " , 5. Januar 1976, S. 78.

استراتژی اتکا^۱ به قدرت های تولیدی خصوصی که در دیگر کشورها ایجاد میگردد ، در فعالیت های اثربخش انحصارهای بین المللی جنبه حاکم و مسلط را داراست . حجم فراورده های کمپانی های خارجی در خریتمیزان روزافزونی نسبت به تولیدات ملی سهم بیشتری را تشکیل میدهند . آمار وارفاقی که در جدول شماره ۱ آمده است گواه بر وجود چنین تریاشی است .

انحصارهای بین المللی در ردیف دولت نقد عمده را در صد و سرمایه ایفاء میکنند و ایسبند صد و سرمایه هم در دوطبقه اقتصاد سرمایه داری جهانی معاصر تحقق می یابد . در طبقه فوقانی سه مرکز نیروهای امپریالیسم یعنی ایالات متحده آمریکا ، اروپای غربی و ژاپن واقع شده اند . کشورهای در حال رشد در طبقه پایین تر قرار گرفته اند . صد و سرمایه دولتی - انحصاری در هر دو طبقه به افزایش وسترش دامنه تضاد های تازه منجر میشود .

مبارزه شدید یابدند به برسر دایره نفوذ به تغییر تناسب نیروها میان انحصارهای سه مرکز سرمایه داری منجر گردید . کمپانی های اروپای غربی به تجاویز به مقیاس سرمایه در اقتصاد ایالات متحده آمریکا دست زدند و فرم های ژاپن به تسخیر و استفاده بردامنه بازارهای اروپای غربی و آمریکا پرداختند . در نتیجه سهم آمریکا در حجم کلی سرمایه گذاریهای مستقیم در خارج کشتنترل انحصار هابرشته های معین اقتصاد سایر کشورها را تامین میکند ، کاهش یافت . آمار وارفاقی که در جدول شماره ۱ آورده شده بر این دعوی گواهی میدهد .

خلقهایی که در راه مبارزه برای استقلال اقتصادی نام نهاده اند در برابر نفوذ انحصارهای بین المللی مقاومت روزافزونی از خود نشان میدهند . در این شرایط سرمایه انحصاری میکوشد از نیروهای ارتجاعی و بورژوازی بوروکرات کشورهای در حال رشد برای ایجاد " فضای مناسب و مطلوب" بمنظور سرمایه اندازیهایی، انحصاری خصوصی استفاده کند . توجه و تریاش انحصارهای بین المللی به تیره مبینی از کشورها (مانند برزیل ، اندونزی ، عربستان سعودی و ایران) افزایش یافته است .

در ضمن انحصارها مانند گذشته کشورهای پیشرفته سرمایه داری را که دارای سطح تولید سازمان یافته تکنیکی بالا و نیروی کار متخصص و همچنین منابع قابل توجه انرژی و مواد خام اند (مانند کانادا ، استرالیا و کشورهای حوضه دریای شمال و غیره) بر سایر کشورهای ترجیح میدهند .

قدرت اقتصادی عظیم انحصارهای بین المللی فعالیتها را در جهت افزایش است . برغم کاهش آهنگ تولید در کشورهای پیشرفته سرمایه داری که اینک چشم میخورد ، این انحصارها بگفته یکی از مولفین بورژوازی به گسترش دامنه فعالیت خود با تجاویز کاری و درهم و پهرمی سلول های سرطانی ادامه میدهند . طبق محاسبات برخی از پژوهشگران تولید خارجی غول های بین المللی در پایان سال های ۷۰ قرن حاضر میلادی به ۳۰ درصد محصول کل ملی تمام کشورهای سرمایه داری در پایان سالهای ۸۰ به ۴۰ درصد میرسد ، اما در آستانه سومین هزاره از ۵۰ درصد هم فراتر خواهد رفت (۱) .

وزنه تعادل دولت بورژوازی

مقاله و کتابهای بسیار زیادی به تجزیه و تحلیل جنبه های گوناگون فعالیت انحصارهای

1 - P. Ordonneau. Les multinationales contre les Etats. Paris 1975 p. 116.

بین المللی اختصاص داده شده است (۱) . مولفان بورژوازی در آغاز سالهای ۷۰ میلادی بافتن باد در گلو از انحصارهای بین المللی آشکارا طرفداری میکردند و این انحصارها را " حاملین ترقی " ، " برندگان تمدن سراسر جهان بجلو " ، " عاملین صلح " و مانند اینها می نامیدند ، ولی حالا پس از تب و تاب شدید ناشی از بحران اواسط سالهای ۷۰ این سروصدا ها و دعاوی معتدل تر شده است .

ولی در این سیل تبلیغات مولفان بورژوازی ، کوشش برای یافتن چنان آثار نوشته هایی که در آنها ارتباط متقابل میان انحصارها و سرمایه داری د ولتی - انحصاری (که این مولفان با پوست و گوشت خود بدانها وابسته اند) آشکار شده باشد ، کار عبث و بیبوده ایست . ما اغلب با نظریاتی درباره " فساد و تباهی دولت ملی " و افتادن برخی از وظائف و کارهای آن بمحده انحصارها یاد رباره خصلت " مافوق دولتی " آنها و درباره اینکه انحصارها در ریزش خود در تولید و صد و سرمایه ثویابه و زنه تعادل سیاست دولت بورژوازی مبدل میشوند ، و روبرو هستیم . در پس چنین نظریاتی تلاش برای مخفی ساختن جریان تمرکز هر چه بیشتر تولید و سرمایه ، افزایش قدرت انحصارها و بهم پیوستن نیروی آنها با نیروی دولت ، آشکارا دیده میشود . ژ . پ دلی لز اقتصاد دان کمونیست فرانسوی بحق یاد آور میشود که : " این کلماتی ها بمعنی واقعی کلمه " زائیده " سیاست دولت اند " (۲) .

در پروسه تنظیم و کنترل انحصاری - دولتی اقتصاد که خیلی پیشرفت کرده است با اصطلاح " هر دو روی سکه " آشکار گردید . یکی تشدید نقش دولت بورژوازی است که سلطه تمام طبقه سرمایه داران و ویژه بورژوازی انحصاری را مجسم میسازد که اهرم های تاثیر هر چه بیشتر در جریان تولید اجتماعی در دست آن متمرکز گردیده است . طرف دیگر افزایش نیروی انحصارها است . انحصارهای بین المللی که هدف های کوتاه ترانه و سود جویانه ای را دنبال میکنند و میکوشند هرگونه مانعی را در سر راه توسعه طلبی های خویش بر طرف سازند ، تاثیر بی ثبات کننده هر چه بیشتری در اقتصاد خواه در کشورهای کانون مستقر شده اند و خواه در کشورهای دیگری که در آنها نفوذ می کنند باقی میگذارند .

توسعه طلبی انحصارهای بین المللی تغییرات جدی در روابط متقابل دولتها و انحصارها پیدا آورد . فاکت های بیشماری گویای این واقعیت اند که تضاد های موجود میان فعالیت انحصار های بین المللی و سیاست اقتصادی دولت امپریالیستی یعنی سیاست تدوین بودجه و برقراری مالیاتها و اعتبارات ، افزایش می یابد . این برخورد و دشمنی روز افزون دولت را مجبور میکند اشکال و شیوه های تازه ای برای تنظیم و کنترل بیاید و پیشتیبانی همه جانبه از انحصارهای " وطنی " خود را با تدابیری در جهت مخالفت با انحصارهای بین المللی " بیگانه " و بعضی از انحصارهای بین - المللی " خودی " نیز در هم آمیزد .

سیاست متضاد و گنگانه دولت امپریالیستی نسبت به انحصارهای بین المللی یعنی سیاست حمایت و مخالفت از ماهیت متضاد خود انحصارهای بین المللی ناشی میگردد . زیرا در یک طرف این انحصاری است که به امپریالیسم خودی ملی وابسته است و وسیله و ابزار توسعه طلبی اقتصادی خارجی آن و پیشتر از آن در رقابت شدید میان امپریالیست ها است . از طرف دیگر سرمایه ایست که از چهار چوب ملی فراتر رفته ، بین المللی شده و وطن و ملت نمی شناسد .

۱ - رجوع کنید به مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " ، شماره ۷ ، سال ۱۹۷۸ ، صفحه ۸۰ - ۸۴ .
2 - " Cahiers du communisme " No 10, 1974, p. 59.

دولت امپریالیستی که میکوشد فعالیت انحصارهای بین المللی را تنظیم و کنترل نماید ، بدیهی است که نه از منافع ملت و میهن بلکه از منافع انحصارهای محلی و سرمایه سازمان یافته دولتی حمایت میکند . وجه تمایز سیاست " ضد انحصاری " بورژوازی در برتری است که برای انحصارهای " خودی " قائل میگردد .

ولی روشن است که واکنش شریخش در قبال توسعه طلبی انحصارهای بین المللی مستلزم محدود ساختن سلطه انحصارهای ملی و متزلزل کردن موقعیت آنها نیز هست . هر دو این دو نوع تمرکز سرمایه مکمل یکدیگرند و هر دو در یک زمینه سرمایه داری دولتی - انحصاری بسط و تکامل می یابند . حد و مرز میان آنها تغییر میکند : شرکت ملی در یوروپس از ایجاد شعبه در کشورهای دیگر به شرکت مافوق ملی (ترانس ناسیونال) مبدل میگردد . هم آن هم این انحصارها با فعالیت خود به منافع ملی زبان میرسانند و مانع تحقق برنامه های دموکراتیک پیشرفت اقتصادی میشوند . در مبارزه رقابت آمیز آنها " طرف ذیحق " وجود ندارد . استثمار انحصارهای ملی هیچ بهتری و برتری بر استثمار انحصارهای چند ملیتی ندارد .

در ضمن توسعه طلبی انحصارهای بین المللی خود مسئله ویژه ایست . این توسعه طلبی به عامل اقتصادی نظیر تقسیم بین المللی کار و بین المللی شدن تولید متکی است . انحصار های بین المللی سلطه سرمایه بهم پیوسته و بمقیاس بین المللی متحد شده را مجسم میکنند در جهان سرمایه داری پیشرفته اشکال تازه وابستگی برقرار میشود که الزام ارتباطی با تبعیت برخی از کشورهای از کشورهای دیگر ندارد .

در سیستم سرمایه داری معاصر و گرایش هر چه روشن تر در قیق تر نمودار میگردد . گرایش نخستین عبارت از این است که هر چه مرجع فعالیت های مجزای انحصارهای بین المللی هم در اقتصاد ملی سرمایه داری وهم در اقتصاد سرمایه داری جهانی پدید میآورد به جستجوی شدید مکانیم بین المللی تنظیم و کنترل روابط اقتصادی جهان سرمایه داری و اشکال تازه مناسبات دولتی انحصاری از طرف دولتهای امپریالیستی نیروی محرکه تازه ای بخشید .

تدابیری که از طرف دولت های بورژوازی در این جهت اتخاذ گردیده جنبه کاملاً مشورتی دارد (مانند اعلامیه مربوط به سرمایه گذاری های بین المللی و کمپانی های چند ملیتی که در ژوئن سال ۱۹۷۶ در جلسه شورای OECD به تصویب رسید) . با اینهمه خود گرایش به تنظیم و کنترل فعالیت سرمایه داران از طرف یک سلسله از دولت ها نمیتوانست الین کارشی مالی را نگران ن سازد . در رگفتر که یکی از ستونهای الین کارشی مالی است اعلام داشت که اکنون مسئله بدین قرار است که آیا ما به نیروهای طبیعی اجازه میدهم آن طور عمل کنند که شرکت های چند ملیتی میتوانند در پیشرفت جهان نقش هر چه بیشتری بازی کنند و یا آنها را در معرض تاثیر شرایط تضییع آوری که اقداماتشان را فایده نخواهند کرد ، قرار خواهیم داد .

در نقطه مقابل گرایش نامبرده هم گرایش دیگری تا حد دو معنی بسط و تکامل می یابد که عبارتست از گرایش تباری میان انحصارهای بین المللی و توافق های گوناگون که طیها مانع از مبارزه رقابت آمیز بین آنها میشود .

سردمداران انحصارها در بسیاری از جلسات پنهانی خود تدابیر مشخصی را برای هماهنگ ساختن سیاست خود بمقیاس بین المللی مورد بحث قرار میدهند . غیره های مسائل مالی و ایدئولوژی های آن باحتی از همد فمندی بودن ایجاد ارتان ویژه هماهنگ کنند شرکت های مافوق ملی سراسر جهان سخن بمیان میآورند . ل . برائون اقتصاد دان امریکایی هم چنین تدابیراتی ابراز

میدارد . او ارفادرحم پیوندی سراسرجهانی است که برپایه فعالیت انحصارهای بین المللی تحقق یابد . اواصراروایرام روی گرد شو و نقل وانتقال سرمایه راضوری میدانه نه روی گرد شو و نقل وانتقال کالا . این بخش اخیر یابیشتر هائی را تشکیل میدهد که بر اساس مشی توافق کلی مربوط به تعرفه و ارزگانی بعمل میآید . بحقیقه بر اوون بهتر از همه انحصارجهانی میتواند از عهد ه این امر برآید که فروش سهام در بورس های سراسرجهانی را سازمان بدهد (۱) .

در نتیجه تحکیم مواضع شرکت های چند ملیتی ، بورژوازی انحصاری وسائل تازه ای برای اعمال فشار روی جنبش کارگری بدست آورده است . انحصارهای بین المللی اغلب به کاهش محل و فرصت کار در موسسات درین کشور و افزایش آنها در موسسات دیگر متصل میگردد . هر کجا که قادر باشند به سند یگاها و قوانین کاری اعتنائی میکنند و میگویند اتحادیه های ویژه خبوش راد داخل تعاونی ها بوجود آورند و نظایر اینها . در عین حال بین المللی شدن تولید امکانات تازه ای هم برای هماهنگ ساختن مبارزات زحمتکشان و تمام نیروهای دموکراتیک علیه انحصارهای بین المللی و ملی ، علیه سرمایه بزرگ و گسترش بیشتر این مبارزات بوجود میآورد . گرایش به انجام این اقدامات مشترک و تحقق درگونی های بنیادی اجتماعی - اقتصادی که بر اشتراک منافع واقعی زحمتکشان کشورهای مختلف استوار است نیروی هر چه بیشتری گمب میکند .

بدین ترتیب بررسی جا و مقام انحصارها در سیستم سرمایه داری دولتی - انحصاری ازجها مهم در بررسی بحران معاصر سرمایه داری است . سلطه انحصارها ، و نقش آنها تا حد و زیادت و ویژگی های این بحران را معین میکند و مانع عمده در راه بر طرف ساختن پی آمده های آن است .

نتایج حاکمیت انحصارها بر اقتصاد در پدید آمدن خرابی و نابسامانی در تمام مکانیسم تجدید تولید سرمایه داری و تقسیم بین المللی کار نمودار گردید . فعالیت آنها بحران های با اصطلاح ساختاری راهم (بویژه در رشته اقتصاد انرژی و مواد خام ، در زیر ساختار و در عرصه غیر تولیدی (مانند حفظ محیط زیست ، آموزش و پرورش ، بهداشت ، تأمین اجتماعی)) تشدید کرد . انحصارها در جریان بحران ، بحساب اعتبارهای بسیار زیاد دولتی ، تدابیرشده برای شر بخش کردن تولید و عرصه مدیریت و بحساب متزلزل کردن قیمت ها سود های کلانی بدست آوردند . آنها به بدست آوردن سود از سیاست ضد بحرانی هم که کشورهای بورژوازی دنبال میکنند ادامه میدهند . تنظیم شرایط اقتصادی بسود انحصارها و با آنها با در نظر گرفتن منافع آنها نمیتواند در اقتصاد نه ثبات و نه هماهنگی طبق برنامه بوجود آورد . با چنین تدابیری نمیتوان از تورم و بیکاری جلوگیری کرد .

بحران اقتصادی و سیاست ضد بحران محافل حاکمه کشورهای سرمایه داری که در پی آن اتخاذ گردید بر پروسه های انحصاری شدن اقتصاد سرمایه داری متزلزل کرد . این امر به مسخ و فلج شدن هر چه بیشتر تولید اجتماعی و اسراف و تبذیر منجر میگردد و مشکلات تازه ای در تجدید ساختار اقتصاد با توجه به منافع تمام اعضاء جامعه ، یعنی تجدید ساختاری که جزء تفکیک ناپذیر انقلاب اجتماعی است بوجود میآورد .

یگانه راهی که بسط و تکامل هماهنگ نیروهای تولیدی معاصر را تأمین نمود و به ترقی و پیشرفت برنامه آنها بسود زحمتکشان گنگ میکند ، پیشرفت هر چه بیشتر در امر تمرکز و گسترش بین المللی شدن تولید است و نه کند کردن آن جهت تمرکز و موقوف ساختن آن .

نسبت ارزش فرآورده‌های (گروه‌های سرمایه) کپی‌های خارجی به‌ختر

جدول (۱)

به‌معمول کل ملی کپی‌های مادر در آنجا قرار دارند

کشور یا منطقه	معمول کل ملی (به میلیارد دلار)		ارزش فرآورده‌های (گروه‌های سرمایه) کپی‌های خارجی به‌ختر (به میلیارد دلار)		نسبت ارزش فرآورده‌های کپی‌های خارجی به‌ختر به معمول کل ملی
	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۷۱	
ایالات متحده آمریکا	۱۹۲۰	۱۹۲۷	۱۹۲۰	۱۹۲۷	۱۰۰
آلمان غربی	۵۰۹	۵۸۷	۴۹۱	۵۰۸	۱۰۰
ژاپن	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
فرانس	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
بریتانیا	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
سوئد	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
کانادا	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
ایالات متحده آمریکا	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۰۰
آلمان غربی	۵۰۹	۵۸۷	۴۹۱	۵۰۸	۱۰۰
ژاپن	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
فرانس	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
بریتانیا	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
سوئد	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰
کانادا	۲۹۳	۳۰۳	۲۹۱	۳۰۳	۱۰۰

* این ارقام شامل میگردند کپی‌های ژاپن، انگلستان، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، سوئیس، هلند، سوئد، ایتالیا، بلژیک، پرتغال، دانمارک، نروژ و اتریش.

** ارزش فرآورده‌های کپی‌های خارجی در بخش انحصارات ایالات متحده آمریکا در "Survey of Current Business" گزارش می‌دهد که این بخش سرمایه کپی‌های خارجی انحصارهای ایالات متحده آمریکا محاسبه شده است. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، ارزش سرمایه کپی‌های مستقیم و غیر مستقیم در سرمایه کپی‌های خارجی انحصارهای ایالات متحده آمریکا محاسبه شده است. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، ارزش فرآورده‌های کپی‌های خارجی تمام انحصارهای بین‌المللی در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱ از رویب ۲- که در رجال حاضر گنجه شده است استفاده کرد.

"Survey of Current Business", No 8, 1967 p.49; No 2, 1977, p. 36;
 H.Krätgenau. Internationale Direktinvestitionen 1973-1975. Hamburg, 1977, S.12; "Main economic indicators", July 1976, p.18; "Monthly Bulletin of Statistics", September 1977, pp.108-113
 188-190, 218-220.

جدول (۱)

حجم سرمایه گزاریهای مستقیم خصوصی خارجی

سال	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	سال	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸
به میلیارد دلار	۳۱۹	۳۷۱	۴۰۶	۴۱۳	به میلیارد دلار	۴۱۳	۴۰۶	۴۱۳	۴۱۳	۴۱۳
به درصد	۳۱	۳۷	۴۰	۴۱	به درصد	۴۱	۴۰	۴۱	۴۱	۴۱
کشور یا منطقه										
ایالات متحده آمریکا	۳۱۹	۳۷۱	۴۰۶	۴۱۳	۳۱۹	۳۷۱	۴۰۶	۴۱۳	۳۱۹	۳۷۱
اروپای غربی*	۳۱	۳۷	۴۰	۴۱	۳۱	۳۷	۴۰	۴۱	۳۱	۳۷
ژاپن	۳۱	۳۷	۴۰	۴۱	۳۱	۳۷	۴۰	۴۱	۳۱	۳۷
دیگر کشورها**	۳۱	۳۷	۴۰	۴۱	۳۱	۳۷	۴۰	۴۱	۳۱	۳۷
جمع کل	۳۱۹	۳۷۱	۴۰۶	۴۱۳	۳۱۹	۳۷۱	۴۰۶	۴۱۳	۳۱۹	۳۷۱

* این ارقام شامل، های ۱۲ کشور اروپای غربی را شامل می شود.

** این ارقام شامل، های کانادا، استرالیا و سایر کشورهای سرمایه داری را شامل می شود.
محاسبات توسط سازمان مقاله بر پایه مانده های زیر است:

" Survey of Current Business " 1974, 1975, 1976, 1977; " Die Schweiz in Zahlen ". Zürich, 1976,
1977; " Financial Times ", November 9, 1976; H. Krägenau. Internationale Direktinvestitionen
1973 - 1975. Hamburg, 1977, S. 12, 123; " Wirtschaftsberichte " Nr 2, 1977, S. 16.

شهرکهای چند ملیتی و بیسفرت جهانی، سازمان ملل متحد، نیویورک، ۱۹۷۳، صفحه ۱۷۷-۱۷۹ و ۱۹۷-۱۹۸ " اقتصاد جهانی
و مسائل بین المللی " شماره ۱۲، ۱۹۷۴، صفحه ۴۴، BIKI، شماره ۲۹، ۱۹۷۳، ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱.

بحران اقتصادی و کشورهای در حال رشد

پروفسور گئورگی اسکوروف

دکتر در رشته اقتصاد
(اتحاد شوروی)

پنج سال متوالی است که اقتصاد جهانی سرمایه داری به تب و تاب شدیدی دچار شده است. راست است که بحران اقتصادی بمعنائی اخص این کلمه به مثابه مرحله کاهش تولید در حرکت ادواری سرمایه دیرگسری شده و محدود و زمانی آن سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۴ بود. اما روستی اقتصاد و اعتلای ناپینگیروبی رمقی که پس از آن فرارسید موجبات جلب ارتش چند میلیونی بیگاران و بیکاران افتادن قدرت بالقوه موسسات صنعتی را فراهم نکرد. این پدیده ها که از مشخصات نمونه و ابرحیرانند هنوز هم بقوت خود باقی هستند. علاوه بر این نامشخصی وضع اقتصادی کنونی چنان است که هیچکس با اطمینان نمیتواند پیشگویی کند که اقتصاد سرمایه داری در آینده نزدیک چگونه پیشرفت خواهد کرد و بسیاری از مراکز پژوهشی جهان سرمایه داری از آنجمله دبیرخانه سازمان همکاری اقتصادی و پیشرفت در پاریس هم امکان کاهش جدید تولید و افزایش هرچه بیشتر بیکاری تا پایان ده ساله جاری را منتفی نمیداند. چنین وضع بیمارگونه و بی ثبات سیستم اقتصادی سرمایه داری که در آن مراحل متعاقب بحران رشد باکندی و وقفه و رکود در تولید همراه است از خصلت ویژه در هم آمیزی بحران عمومی و ادواری سرمایه داری ناشی میشود و از نتایج به ژرفاگر آید ن جدی همه تضادهای آنست (۱).

مشخصات ویژه این وضع علاوه بر اضافه انباشت سرمایه اصلی، بیکاری پدیده و اشتغال ناقص نیروی کارگران عبارتند از: کندی آهنگ سرمایه گذاری در مراکز اصلی تولید، افزایش سفارشات برای وسائل و تجهیزات جدید و مقیاس بیسابقه تورم در دوران صلح، اختلال در سیستم ارزی جهانی تشدید ادواری بحران ارزهای عمده، بازگشت به نظام حمایت بازرگانی بین المللی و جنگ اعلام نشده بازرگانی میان مراکز اصلی سرمایه داری معاصر، عدم توازن بیسابقه در موازنه بازرگانی و موازنه پرداختهای اکثریت کشورهای سرمایه داری و کشورهای در حال رشد. همه اینها هم در زمینه کاهش مرتب درآمد واقعی توده های زحمتکش و افزایش مداوم منافع شرکتی انحصاری انجام میگردد.

این مقاله در ادامه بحث و مذاکره مسائل بحران سرمایه داری است (رجوع کنید به "مجله مسائل

صلح و سوسیالیسم" شماره های ۱ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ سال ۱۹۷۸.

۱- رجوع کنید به "مجله" مسائل صلح و سوسیالیسم" م. شمیدت، سرمایه داری پس از بحران

سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۴، شماره ۳، سال ۱۹۷۸.

عوامل خارجی

کشورهای در حال رشد بمثابة بخشی از اقتصاد جهان سرمایه داری تا شریک و رومد های اقتصادی سالهای هفتاد را بطور کامل در خود احساس میکنند . ویژگی بحران در این کشورها عبارت از این است که این بحران برای آنها بطور عمده ناشی از عوامل خارجی است . مرکز ثقل بحران در منطقه صنعتی رشد یافته سرمایه داری قرار دارد و در " نقاط دور از مرکز " مانند یک پدیده مشتق ، تکراری و وارداتی بروز میکند . علت این را باید در کمی پیشرفت و محدودیت نسبی رشد شیوه اقتصاد سرمایه داری در این مناطق دید . در هیچیک از این کشورها با استثنای برخی از کشورهای بارشده متوسط سرمایه داری در امریکای لاتین و برخی از کشورهای صنعتی در آسیا شیوه تولید سرمایه داری هنوز به آن حد پیشرفت که وزنه تعیین کننده ای باشد نرسیده است تا بتواند حرکت ادواری مستقلی در آن بوجود آورد . بدین ترتیب نوسانات تولید در کشورهای در حال رشد بازتابی از شکل ادواری حرکت سرمایه اجتماعی در اقتصاد جهان سرمایه داری است . از آنجا که مقدار افزایش های کشورهای در حال رشد که وارد عرصه جهانی گردش کالاً میشود و مستقیمان رجریان تجدید تولید سرمایه در کشورهای سرمایه داری صنعتی رشد یافته وارد میشود افزایش مییابد ، ارتباط متقابل مرکز با این کشورها بیشتر میشود و همراه با این پدیده متعلق زمانی نوسانات ادواری هم افزایش مییابد و به سبب های بحران نیروی مخرب هر چه بیشتری می بخشد . اشکال بروز بحران در کشورهای در حال رشد نیز دارای خصیصه ویژه ایست . برخلاف کشورهای صنعتی رشد یافته سرمایه داری که کاهش تولید و افزایش بیکاری (که از بی آمد های اضافه انباشت سرمایه هستند) در آنها بمثابة نشان عمده بحران پدیدار میشوند ، در کشورهای که از لحاظ اقتصادی عقب مانده اند و بطور عمده کشاورزی و یا کشاورزی - صنعتی هستند و بیکاری توده ای و کم کاری در آنها جنبه مزمن دارد و از یک چهارم تا یک سوم نیروی کارگری را فرا میگیرد ، مهمترین شاخص وضعیت اقتصادی (پس از محصول کشاورزی) موازنه پرداختهاست . درست همین موازنه پرداختهاست که نشان میدهد آیا این کشور میتواند بهای کالا های ضروری برای موجودیت و پیشرفت خود را از طریق فروش محصولات خویش ، بردارد یا نه ، و اگر نمیتواند بردارد از چه منابعی کسری موازنه را جبران خواهد کرد و یا ورود کالا به کشور را تا چه حدی باید تقلیل دهد تا هزینه های کشور با درآمد شریک به میزان متعادلی برسد . نقش بیشتر از حد موازنه پرداختها در اقتصاد کشورهای نواستقلال منعکس کننده شدیدی ترین وابستگی آنها به بازار جهانی و به جریان تجدید تولید در منطقه رشد یافته صنعتی سرمایه داری است .

در ضمن پدیده های بحرانی در اقتصاد کشورهای در حال رشد تضاد های درونی پیشرفت این کشورها را منعکس میسازند : تضاد میان نیازمندیهای مربوط به ایجاد سیستم نیروهای مولد معاصر و مناسبات تولیدی عقب مانده ای که پدیده های بجا مانده از ادواری پیش از سرمایه داری آنها را تا هنجار تراخته ، تضاد میان عدم تکافوی مسلم حجم ذخیره ملی انباشت و مقیاس عظیم سرمایه گذاری لازم برای بسط و تکامل و نوسازی فنی اقتصاد ملی ، تضاد میان کوشش قشر فوقانی محافظ حاکمه و تمام قشرهای استثمار کننده برای بدست آوردن حد اکثر درآمد و حکم اجتماعی لزوم ارتقاء سطح زندگی فقیرانه فعلی توده های مردم ، تضاد میان محدودیت بازارهای ملی و بازدهی بسیار زیاد تکنیک معاصر که برای تولید فراوان و وسیع در نظر گرفته شده است ، تضاد میان نیاز اجتماعی عینی جهت جلب میلیونها نفر از بیکاران و نیمه بیکاران به کار تولیدی و نیاز مبرم به بالا بردن سطح بهره دهی کار

• ... 38611981- ...

... 1977, p. 64. "Financial

... 1978, May 30, Times

... 1977, p. 64. "Financial

1988	1984	1980	1977	1975	1970
1988	1984	1980	1977	1975	1970

... (1988)

... () ...

... 3 ...

... 1 ...

... ..

... ..

... ..

1950-1951 1952-1953 1954-1955 1956-1957 1958-1959 1960-1961 1962-1963 1964-1965 1966-1967 1968-1969 1970-1971 1972-1973 1974-1975 1976-1977 1978-1979 1980-1981 1982-1983 1984-1985 1986-1987 1988-1989 1990-1991 1992-1993 1994-1995 1996-1997 1998-1999 2000-2001 2002-2003 2004-2005 2006-2007 2008-2009 2010-2011 2012-2013 2014-2015 2016-2017 2018-2019 2020-2021 2022-2023 2024-2025

1950-1951 1952-1953 1954-1955 1956-1957 1958-1959 1960-1961 1962-1963 1964-1965 1966-1967 1968-1969 1970-1971 1972-1973 1974-1975 1976-1977 1978-1979 1980-1981 1982-1983 1984-1985 1986-1987 1988-1989 1990-1991 1992-1993 1994-1995 1996-1997 1998-1999 2000-2001 2002-2003 2004-2005 2006-2007 2008-2009 2010-2011 2012-2013 2014-2015 2016-2017 2018-2019 2020-2021 2022-2023 2024-2025

1950-1951 1952-1953 1954-1955 1956-1957 1958-1959 1960-1961 1962-1963 1964-1965 1966-1967 1968-1969 1970-1971 1972-1973 1974-1975 1976-1977 1978-1979 1980-1981 1982-1983 1984-1985 1986-1987 1988-1989 1990-1991 1992-1993 1994-1995 1996-1997 1998-1999 2000-2001 2002-2003 2004-2005 2006-2007 2008-2009 2010-2011 2012-2013 2014-2015 2016-2017 2018-2019 2020-2021 2022-2023 2024-2025

جدول گروه بندی کشورهای در حال رشد بر حسب سطح آهنگ رشد محصول کل ملی طی سالهای (۱۹۷۰ - ۱۹۷۵)

بقیه کشورهای پادآرآمد کمتر از ۲۰۰ دلار		بقیه کشورهای در حال رشد		همه کشورهای در حال رشد		جمعیت در سال ۱۹۷۵ (به میلیون نفر)	
رتبه	تعداد کشورها	رتبه	تعداد کشورها	رتبه	تعداد کشورها	رتبه	تعداد کشورها
۱	۱۰۱۷	۱۰۷	۱۵۷۴	۲۹۳	۱۸۶۷	۱	۱۸۶۷
۲	۱۳۸	۱۰۸	۳۴۰	۶۰۶	۳۸۲	۲	۳۸۲
۳	۲۱	۷۳	۵۵	۱۰۴	۶۳	۳	۶۳
۴	۲۱	۳۴	۲۰	۲۷۵	۷۹	۴	۷۹
۵	۰	۴۴	۲۹	۷۶	۳۷	۵	۳۷
۶	۰	۶۱	۵۰	۲۴۳	۵۳	۶	۵۳

منبع: محاسبات بر پایه گزارش "The Recent Economic Experience of Developing Countries in Relation to United Nations Development Objectives Report by the UNCTAD Secretariat, 13 April 1977, Table 1, p. 6.

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
 «مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب
 کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:
 اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، اسپانیا،
 اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
 السالوادور، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری
 فدرال آلمان، اندونزی، اوروگوئه، ایالات متحده
 امریکا، ایتالیا، ایران، ایرلند، برزیل، بریتانیای کبیر،
 بلژیک، بلغارستان، بلیوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال،
 پرو، ترکیه، چکسلواکی، دانمارک، جمهوری
 دومینیکن، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سوئیس،
 سوئدان، سوریه، شیلی، عراق، فرانسه، فنلاند، فیلیپین،
 قبرس، کانادا، کلمبیا، کوبا، گواتمالا، لبنان، لوکزامبورگ،
 لهستان، مجارستان، مغولستان، مکزیکو، ونزوئلا،
 هندوراس، هندوستان، یونان.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

Sweden حساب بانکی ما:

Stockholm

Stockholms Sparbank

N: 0 400 126 50

Dr. John Takman